

اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنماها^۱

ردلف ریشر

مترجم: دکتر سید حسین میرجلیلی*

در این مقاله ابتدا تاریخچه استفاده از اصطلاح «اقتصاد نهادی جدید» از زمان معرفی آن توسط الیور ویلیامسون^۲ توضیح داده می‌شود و بر اساس موضوعهای کنفرانس اقتصاد نهادی جدید و مجموعه مقالاتی که بین سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۹۷ منتشر شده است، نشان داده می‌شود که چگونه این اصطلاح از یک اصطلاح ژنریک^۳ تا یک اصطلاح استاندارد تطور یافته است. در سال ۱۹۹۷ انجمن بین‌المللی اقتصاد نهادی جدید به همت رونالد کوز^۴، داگلاس نورث^۵ و الیور ویلیامسون تأسیس شد. در بخش دوم این مقاله، به دنبال طرح مفاهیم پایه ویلیامسون و نورث، معنای اقتصاد نهادی جدید عنوان می‌شود. ایده‌های این دو اندیشمند پیشگام در اقتصاد نهادی جدید با یکدیگر مقایسه می‌شود و نقدهای معروف آنها توضیح داده شده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بخش نهایی مقاله مربوط به امکان‌پذیری گسترش و تعمیق اهداف و سبک تحلیلی اقتصاد نهادی جدید است. در نتیجه‌گیری مقاله عنوان می‌شود که توانمندیها و پتانسیلهای اقتصاد نهادی جدید تمام نشده است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد هزینه معامله، اقتصاد نهادی جدید، دیدگاه تعادل بازی، نهادگرایی جدید جامعه‌شناسی، نهادگرایی جدید علوم سیاسی.

۱. مقدمه

این مقاله مربوط به مراحل اولیه، معنا و دورنماهای رشته اقتصاد نهادی جدید است. اصطلاح ژنریک «اقتصاد نهادی جدید» توسط الیور ویلیامسون (۱۹۷۵، ص ۱) معرفی شد. این اصطلاح هنگامی عنوان شد که گروه متنوعی از اقتصاددانان گرد هم آمدند و همه در این زمینه فکری مشترک سهیم بودند

* دانشیار پژوهشکده اقتصاد - پژوهشگاه علوم انسانی

1. Rudolf Richter, "New Institutional Economics: Its Start, Its Meaning, Its Prospects", *The European Business Organization Law Review*, Vol. 6, No. 2, 2005, pp. 161-200.
2. Oliver Williamson
3. Generic
4. Ronald Coase
5. Douglass North

که نهادها اهمیت دارند، رابطه میان ساختار نهادی و رفتار اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد و عوامل تعیین کننده نهادها می‌تواند به کمک نظریه اقتصادی تحلیل شود.

۲. تطور رشته اقتصاد نهادی جدید

۱-۲. نکات مقدماتی

اهمیت نهادها در عملکرد اقتصادی، موضوعی قدیمی و در اصل موضع فکری معقولی است. با این حال طی نیمه اول قرن بیستم، با توسعه رویکرد ریاضی نظریه نئوکلاسیکی و تجریدی شدن فزاینده الگوهای اقتصادی، پدیده‌های نهادی، کمتر مورد توجه قرار گرفت. در نتیجه در نظریه جریان اصلی اقتصاد تا دهه ۱۹۸۰ (که نمونه آن اقتصاد رفاه و الگوهای تعادل عمومی آرو-دبرو^۱ است)، نهادها تقریباً هیچ نقشی نداشتند. به عبارت دیگر، اهمیت نداشت که آیا کالاها و خدمات در ازای پرداخت پول یا چیز دیگر مبادله می‌شدند، یا چگونه با ساز و کار قیمت میان بازارها یا در بنگاههای سازمان‌دهی شده به طور سلسله مراتبی، بنگاههای قانونمند برای تولید، سازمان‌دهی شده است؟ تعجب آور نیست که این دیدگاههای افراطی به زودی مورد مخالفت رشته‌های متعدد نهادگرایی جدید قرار گرفت. در میان نویسندگان برجسته و پیش‌تاز آن می‌توان گُاز^۲ (۱۹۳۷ و ۱۹۶۰)، آلچیان^۳ (۱۹۶۱)، یوکان و تولاک^۴ (۱۹۶۲)، اُلسن^۵ (۱۹۶۵)، ویلیامسون (۱۹۷۱ و ۱۹۷۵)، نورث و توماس^۶ (۱۹۷۳) را نام برد. این اسامی با نظریه‌هایی نظیر تحلیل حقوق مالکیت (دارایی)، تحلیل اقتصادی حقوق، نظریه انتخاب عمومی، اقتصاد مبتنی بر قانون اساسی^۷، نظریه اقدام جمعی، اقتصاد هزینه معامله، رویکرد اصلی-عامل^۸، نظریه قراردادهای رابطه‌ای^۹ و نظامهای اقتصادی تطبیقی پیوند دارد. آنچه در تمام این رویکردها مشترک است، این است که برخلاف اقتصاد نئوکلاسیک، این رویکردها چارچوب نهادی را به‌عنوان داده شده فرض نمی‌کنند بلکه نهاد را موضوع (ابژه) تحقیق در نظر می‌گیرند و همچنین به دنبال در نظر گرفتن پیامدهای هر ترتیب نهادی برای رفتار اقتصادی هستند. آنها این سؤال را نمی‌پرسند که: فرد عقلانی با نفع شخصی، چه عملی را انجام خواهد داد؟ بلکه این سؤال را می‌پرسند که: چگونه فرد عقلانی می‌تواند محدود شود (یا خود را محدود کند) تا نفع شخصی خود را دنبال نکند؟ (جی. میلر^{۱۰})

اصطلاح اقتصاد نهادی جدید به عنوان یک اصطلاح ژنریک توسط نویسندگان مختلف برای ترکیبات مختلفی از رشته‌های یاد شده و سایر رشته‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. در این بخش،

1. Arrow-Debreu

3. A. Alchian

5. Mancur Olson

7. Constitutional Economics

9. Relational Contracts

2. Ronald Coase

4. G. Tullock

6. Thomas

8. Principal-Agent Approach

10. Miller

اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنماها ۵۳

به طور مختصر، تاریخچه استفاده متنوع از اصطلاح اقتصاد نهادی جدید را مرور می‌کنیم تا تطور مجموعه جدید را با کاربرد گسترده روشهای پژوهش اقتصادی نشان دهیم.

۲-۲. اولین درک از اقتصاد نهادی جدید

الیور ویلیامسون، مُبدع اصطلاح اقتصاد نهادی جدید، آن را به صورت گسترده درک می‌کند. ویلیامسون موارد زیر را تحت شمول اقتصاد نهادی جدید می‌داند:

جنبه‌هایی از خط اصلی نظریه اقتصاد خرد، تاریخ اقتصادی، اقتصاد حقوق مالکیت، نظامهای تطبیقی، اقتصاد کار، سازمان صنعتی و نظایر آنها. رشته‌های مشترکی که این مطالعات را به یکدیگر گره می‌زند عبارت‌اند از:

- نظریه موجود اقتصاد خرد در سطح بالای انتزاع عمل می‌کند و بنابراین امکان پرداختن به بسیاری از پدیده‌های مهم اقتصاد خرد به صورت غیر تصنعی وجود ندارد.

- مطالعه «معامله» یک موضوع کانونی است و شایسته توجه مجدد است.

چند صفحه بعد، ویلیامسون (۱۹۷۵، ص ۷) تفاوت‌های اصلی میان متون اولیه و رویکرد خود را به این شرح توصیف می‌کند:

- بسیار بیش از مباحث قبلی، دغدغه پیگیری شاخه‌های عقلانیت محدود^۱ را دارم.

- مفهوم فرصت‌طلبی را معرفی می‌کنم و علاقمند به تحلیل راههایی هستم که رفتار فرصت‌طلبانه، تحت تأثیر سازمان اقتصادی قرار می‌گیرد.

- تأکید می‌کنم که بی‌اطمینانی یا تعداد کم - به طور منفرد یا با همدیگر - نیست که باعث نارسایی بازار می‌شود، بلکه تأثیر مشترک این عوامل همراه با عقلانیت محدود و فرصت‌طلبی است که سبب پدید آمدن مشکلاتی در مبادله می‌شود.

ویلیامسون در کار خود بر آنچه بعدها «اقتصاد هزینه معامله» می‌نامد، متمرکز می‌شود. به گفته

وی، اقتصاد هزینه معامله بخشی از اقتصاد نهادی جدید است. (ویلیامسون، ۱۹۸۵، ص ۱۶)

به نظر می‌رسد اصطلاح اقتصاد نهادی جدید در پنج تا شش سال بعد از آن تا حد زیادی مسکوت مانده است. با این حال لئونارد سیلک^۲ در روزنامه نیویورک تایمز در تاریخ ۲۴ سپتامبر سال ۱۹۸۰ به عنوان یک امکان یادآوری کرد که: جهت‌گیری جدید به تدریج اقتصاددانان را از تکرار خسته‌کننده مباحث کهنه شده و بی‌حاصل دور خواهد کرد.

من نیز این مسئله را در همان زمان در صفحه اول کتاب منتشر شده ویلیامسون در سال ۱۹۷۵

کشف کردم، اندکی قبل از آنکه ویراستار مجله ممتاز علوم سیاسی^۳ (تأسیس شده در سال ۱۸۴۴)

1. Bounded Rationality

2. Leonard Silk

3. Zeitschrift für Gesamte Staatswissenschaft

شوم که در آن زمان مجله‌ای به زبان آلمانی درباره اقتصاد، به طور عمومی بود. قصد من این بود که این مجله را به صورت بین‌المللی در آورم و به دنبال آن بودم که مباحث تخصصی اقتصاد نهادی به رشته اصلی‌اش یعنی «تمام علم اقتصاد آن زمان» نزدیک شود. به مباحث انتخاب عمومی و حقوق و اقتصاد در آن زمان به خوبی توسط مجلات پرداخته شده بود، بنابراین اقتصاد نهادی جدید به مفهوم مطرح شده توسط الیور ویلیامسون انتخاب امید بخشی به نظر می‌رسید. اریک فوربوتن^۱ آمادگی خود را برای همکاری با من در این راه اعلام کرد و ما در کنار یکدیگر یک سری سمینار بین‌المللی در زمینه اقتصاد نهادی جدید با هدف کمک به این مجله قدیمی برگزار کردیم. در سال ۱۹۸۳، این مجموعه سمینارهای سالیانه، به عنوان «کنفرانس والرفارگن^۲» مشهور شد. این سمینارها با برگزارکنندگان و در مکانهای متعدد به طور سالیانه تاکنون برگزار شده است. تمام مقالات و مباحث این کنفرانسها در مجله *اقتصاد نظری و نهادی*^۳ از سال ۱۹۸۴ تاکنون به چاپ رسیده است.

۳-۲. دورشته فکری

در میان رویکردهای متعدد در اقتصاد نهادی، دو جریان فکری برای ارزیابی اقتصاد نهادی جدید وجود داشته است که عبارت‌اند از:

– یک خط فکری از دیوید هیوم^۴ (۱۷۳۹)، تا کارل منگر^۵ (۱۸۸۳)، فریدریک هایک^۶ (۱۹۴۸) و (۱۹۶۷)، ر. نلسون و س. وینتر^۷ (۱۹۸۲)، م. کرزنر^۸ (۱۹۷۳)، د. لویس^۹ (۱۹۶۹)، اندرو شاتر^{۱۰} (۱۹۸۱)، ر. اکسلورد^{۱۱} (۱۹۸۴)، ک. بین مور^{۱۲} (۱۹۹۴ و ۱۹۹۸)، ا. گریف^{۱۳} (۱۹۹۸) و م. آوکی^{۱۴} (۲۰۰۱). ویژگی این خط فکری، فرآیندهای خود تنظیمی است. هزینه‌های معامله نقش توضیحی ندارند. این خط فکری را دست نامرئی در اقتصاد نهادی می‌نامیم.

– رویکرد خط فکری دیگر تقریباً از فرانک نایت^{۱۵} (۱۹۹۲) و جان کامونز^{۱۶} (۱۹۳۴)، تاجستر بارنار^{۱۷} (۱۹۳۸)، هایک (۱۹۴۵)، رونالد گاز^{۱۸} (۱۹۷۳ و ۱۹۶۰)، جان بوکانان^{۱۸} و گوردون تولاک (۱۹۶۲)، منکور آلسون (۱۹۶۵)، ا. چندلر^{۱۹} (۱۹۶۲ و ۱۹۷۷)، هربرت سایمون^{۲۰} (۱۹۵۷ و ۱۹۸۷)،

1. Eirik G. Furubotn
3. *Journal of Institutional and Theoretical Economics*
4. David Hume
6. F.A.Hayek
8. M. Kirzner
10. Andrew Schotter
12. K. Binmore
14. M. Aoki
16. John Commons
18. James Buchanan
20. Herbert Simon

2. Wallerfargen
5. Carl Menger
7. S. Winter
9. D. Lewis
11. R. Axelord
13. Avner Greif
15. Frank Knight
17. Chester Barnard
19. A. Chandler

اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنماها ۵۵

۱. آلچیان (۱۹۶۱)، کنت ارو^۱ (۱۹۶۹)، الیور ویلیامسون (۱۹۷۵ و ۱۹۸۵)، ل. دیویس^۲ و داگلاس نورث (۱۹۷۱)، داگلاس نورث (۱۹۸۱ و ۱۹۹۰) و ج. نایت^۳ (۱۹۹۲) است. هزینه‌های معامله (یا هزینه‌های اطلاعات) به عنوان یک عنصر توضیحی هستند. این خط فکری را رویکرد دست مرئی در اقتصاد نهادی می‌نامیم.

لازم به یادآوری است که این دو خط فکری، ریشه‌های تاریخی اقتصاد نهادی جدید محسوب نمی‌شوند. برای بررسی پیشینه اقتصاد نهادی جدید، ما خود را فقط به یک سؤال محدود می‌کنیم و آن این است که: چگونه از اصطلاح اقتصاد نهادی جدید، یک استاندارد وحدت‌بخش پدید آمد؟

۴-۲. تبدیل اصطلاح اقتصاد نهادی جدید به یک معیار وحدت‌بخش

همان‌طور که پیشتر مطرح کردیم، اصطلاح «اقتصاد نهادی جدید» در حدود سال ۱۹۸۰ معروف شد یعنی پنج سال پس از آنکه الیور ویلیامسون (۱۹۷۵، ص ۱) آن را ابداع کرد. حدود سه تا چهار سال دیگر به طول انجامید تا اقتصاددانان این اصطلاح را عنوان فصول یا عنوان مقالات یا کتابهای خود استفاده کنند. در *اکونولیت*^۴ اصطلاح اقتصاد نهادی جدید پیش از سال ۱۹۸۴ وجود نداشت اما پس از آن، در عنوان مقالات مجلات، کتابها، مجموعه مقالات یا موضوعهای کنفرانسها رشد چشمگیری یافت. یک راه ساده برای درک این مسئله، مطالعه مقدمه ویراستاران است. به همین منظور از قضاوتهای آنها به عنوان ابزار اندازه‌گیری میزان توسعه و کاربرد اصطلاح اقتصاد نهادی جدید استفاده می‌کنیم. با پیروی از این راهبرد، به ارزیابی اظهار نظر ویراستاران درباره شش مجموعه مقالات منتشر شده پیاپی که در آنها اصطلاح اقتصاد نهادی جدید برای اولین بار مورد استفاده قرار گرفته می‌پردازیم. این مقالات شامل مجموعه مقالات با ویراستاری فوربتن و ریشر^۵ (۱۹۸۴)، سپس مجموعه مقالات با ویراستاری لانگلوئیس^۶ (۱۹۸۶)، و پس از آن مجموعه مقالات با ویراستاری نابلی و ناجنت^۷ (۱۹۸۹)، سپس مجموعه هریس^۸، هانتز^۹ و لوئیس^{۱۰} (۱۹۹۵)، دروباک و نای^{۱۱} (۱۹۹۷) و سرانجام مجموعه مقالات با ویراستاری کلاگک^{۱۲} (۱۹۹۷) هستند.

الف - چه رشته‌هایی از اقتصاد نهادی، متعلق به اقتصاد نهادی جدید است؟

اولین پرسش این است که ویراستاران مجموعه مقالات یادشده کدام یک از مباحث زیر را به عنوان بخشی از اقتصاد نهادی جدید تلقی کرده‌اند؟

1. K. Arrow

3. J. Knight

5. Furubotn and Richter

7. Nabli and Nugent

9. Hunter

11. Dorbak and Nye

2. L. Davis

4. Econlit

6. Langlois

8. Harris

10. Lewis

12. Clague

- رویکرد حقوق مالکیت (دارایی)
- رویکرد هزینه معامله
- اقتصاد تطوری^۱
- انتخاب مبتنی بر قانون اساسی
- نظریه اقدام جمعی
- نظریه انتخاب عمومی
- نظریه قراردادهای اقتصادی
- رویکرد نهادی جدید در تاریخ اقتصادی
- اقتصاد مدرن اتریشی

جدول (۱) نشان می‌دهد کدام مبحث و توسط چه کسی به عنوان بخشهای اقتصاد نهادی جدید در نظر گرفته شده است.

جدول ۱. رشته‌های تعیین شده به وسیله ویراستاران مجموعه مقالات مربوط به اقتصاد نهادی جدید

کلانگ (۱۹۹۷)	دورباک-نای (۱۹۹۷)	هریس و دیگران (۱۹۹۵)	نابلی-ناجنت (۱۹۸۹)	لانگلوئیس (۱۹۸۶)	فوربتن-ریشتر (۱۹۸۴)	
X	X	X*	X	X	X	اقتصاد هزینه معامله
X	X	X*	X	X	X	حقوق مالکیت
				X	X**	اقتصاد تطوری
	X	X				اقتصاد سیاسی انتخاب عمومی
			X			نظریه اقتصادی
X						قرارداد
	X	X				رویکرد نهادی جدید
						در تاریخ اقتصادی
				X		اقتصاد مدرن اتریشی
					X	انتخاب مبتنی بر قانون اساسی

* نورث (۱۹۹۳) و گُاز (۱۹۳۷ و ۱۹۶۰) به گونه‌ای تلویحی به هزینه‌های معامله و حقوق مالکیت (دارایی) اشاره کرده‌اند.

** فوربتن و ریشتر این رشته را در یازده جلد بعدی مجموعه مقالات خود حذف کرده‌اند.

مطمئناً مجموعه مقالات شش جلدی ما و ویراستاران‌شان، نمونه نماینده نیستند. جدول (۱) منعکس کننده دیدگاه حاکم در حرفه اقتصاد است ولی هنوز جای بحث در این مورد وجود دارد که چه رشته‌ها و با چه وزنی باید بخشی از اقتصاد نهادی جدید به حساب آید.

اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنماها ۵۷

حقوق مالکیت و اقتصاد هزینه معامله مطمئناً در اقتصاد نهادی جدید جای دارند. در حقیقت، ویراستاران شش مجموعه مقالات به آن رأی مثبت داده‌اند. اما اقلیت متمایزی از اظهارنظرهای ویراستاران (حدود دو تا شش نفر) نظریه قرارداد، اقدام جمعی، انتخاب عمومی، اقتصاد تطوری و رویکرد اقتصاد نهادی جدید در تاریخ را به عنوان بخشی از اقتصاد نهادی جدید نام برده‌اند. رشته‌های اقتصاد مدرن اتریشی و اقتصاد مبتنی بر قانون اساسی، در این میان با کسب فقط یک رأی، در حیطه اقتصاد نهادی جدید قرار گرفته‌اند. وزن زیادی که به حقوق مالکیت و اقتصاد هزینه معامله داده شده به خوبی نشان‌دهنده پیش فرض قبلی ما می‌باشد مبنی بر اینکه بخش پایانی رویکرد دست مرئی در اقتصاد نهادی، متعلق به روشهای اقتصاد نهادی جدید است.

ب- پیوند فکری^۱ رشته‌های اقتصاد نهادی جدید چیست؟

پرسش دشوارتر این است که بپرسیم: الگوی مشترک استدلال در اقتصاد نهادی جدید چیست؟ پیوند فکری اقتصاددانانی که پیرو اقتصاد نهادی جدید هستند چیست؟

دوباره از قضاوت ویراستاران شش مجموعه مقالات پیروی می‌کنیم. فوروبتن و ریشر (۱۹۸۴) می‌گویند که سنگ بنای اقتصاد نهادی جدید شامل نظریه سنتی نئوکلاسیک یعنی فردگرایی روش‌شناختی و اصل منفعت شخصی است. در حالی که در اقتصاد نئوکلاسیک، تأثیر چارچوب نهادی کاملاً نادیده انگاشته شده است یا فقط به صورت ظاهری و فرمالیته تصریح می‌شود، اقتصاد نهادی جدید، به دنبال نشان دادن اهمیت نهادها است. علاوه بر آن، نهادها خود به عنوان اهداف مشروع برای تحلیل اقتصادی محسوب می‌شوند. عناصر وحدت‌بخش اقتصاد نهادی جدید، روش‌شناسی پایه آن و اهداف تحلیلی آن است. مهم نیست که برای ادغام ملاحظات نهادی در نظریه اقتصادی، رویکردهای مختلفی به کار گرفته شوند.

مؤلفان تأکید کرده‌اند که مطالعه خود معاملات و هزینه‌های معامله اهمیت دارد و اینکه انتقال مهم دیگر در تفکر اقتصادی مربوط به درک ساختارهای حقوق مالکیت است. مباحث آرمن آلچیان و رونالد کاوز، داگلاس نورث و الیور ویلیامسون، این قضاوتها را مورد تأکید قرار می‌دهد. لانگلويس (۱۹۸۶) می‌گوید که اقتصاد نهادی جدید متشکل از جریانهای فکری مشخصی است. جریان فکری اصلی در میان آنها و در جایگاه اول، نظریه تطوری و مکتب مدرن اتریشی متأثر از هایک است. از نظر تاریخی، کارل منگر بیش از هر نهاد‌گرای دیگری به عنوان حامی مقدس اقتصاد نهادی جدید مطرح شده است. سرانجام نوبت به الیور ویلیامسون، رونالد کاوز و هربرت سایمون می‌رسد.

1. Intellectual Bond

شرکت کنندگان در کنفرانس مانند بریان لوسبی^۱، اندرو شاتر، ریچارد نلسون و جerald ادریسکل^۲ به اولویت اقتصاد اتریشی و اقتصاد تطوری نزد لانگلوئیس تأکید کرده‌اند. نابلی و ناجنت (۱۹۸۹) مجموعه مقالاتی در مورد کاربرد اقتصاد نهادی جدید در اقتصاد توسعه را گردآوری و تدوین کرده‌اند. درحالی که هنوز هیچ گونه اجماعی در مورد اینکه چه مواردی شامل اقتصاد نهادی جدید می‌شود، وجود ندارد، نابلی و ناجنت دو رویکرد کلی و گسترده را برجسته یافتند یعنی هزینه‌های معامله و هزینه اطلاعات از یکسو و نظریه اقدام جمعی از سوی دیگر. در رویکرد هزینه معامله، کالاهای خصوصی هدف قرار گرفته است و شامل اقتصاد حقوق مالکیت، به ویژه اقتصاد هزینه معامله و نظریه قرارداد^۳ با گرایش ریاضی می‌شود. نظریه اقدام جمعی، کالاهای عمومی را هدف گرفته است، چه ویژگی فیزیکی نظیر آلودگی یا اتوبانها و چه ویژگی انتزاعی نظیر نرخ بالاتر دستمزد، قیمت بیشتر، تنظیم، نرخ کمتر مالیات یا قاعده سیاست.

این دو رویکرد عمومی، مکمل یکدیگرند. تا جایی که هزینه‌های معامله، به طور سرسام آوری بالا نباشد، آثار خارجی اقدامات فردی می‌تواند با ترتیبات قراردادهای میان طرفین جبران شود. در غیر این صورت، اقدام جمعی به دست می‌آید. نویسندگان این مجموعه مقالات شامل خود ویراستان و سمر دیتا^۴، تیمور کوران^۵ و بروس هرریک^۶ هستند.

هریس، هانترو و لوئیس (۱۹۹۵) مجموعه مقالات کنفرانس دیگری در مورد اقتصاد توسعه را ویرایش کرده‌اند. اثبات اهمیت اقتصاد نهادی جدید با اعطای جایزه نوبل اقتصاد به رونالد کواز در سال ۱۹۹۱ و سپس اعطای این جایزه به داگلاس نورث در سال ۱۹۹۳ صورت گرفت.

اقتصاد نهادی جدید قادر به توضیح شکل‌های غیربازاری سازمان به عنوان پیامد منطقی ناتوانی بازار بود. بنابراین اقتصاد نهادی جدید به چالش با نقش مسلط منتسب به بازار توسط اقتصاددانان ارتدوکس طی ۱۰ سال اخیر پرداخت. نورث که در این کنفرانس شرکت کرده بود، تأکید کرد که اقتصاد نهادی جدید، فروض نئوکلاسیکی انتخاب فردی را مشروط به محدودیتهایی حفظ خواهد کرد. با این حال، محدودیتها (قیود) شامل نهادها نیز می‌شود. هزینه‌های معامله نقش مهمی مانند ایده‌ها و ایدئولوژیها خواهند داشت. ایده‌ها و ایدئولوژیها یک عامل مهم در عملکرد اقتصادها محسوب می‌شوند و منشأ عملکرد متنوع اقتصادها و توضیحی برای بازارهای ناکارآمد می‌باشند. سخنران‌های کلیدی در این کنفرانس، داگلاس نورث، رابرت بیتس^۷ و جان توی^۸ بودند.

دروباک و نای (۱۹۹۷) مجموعه مقالاتی را ویرایش کردند که در مراسم تجلیل از داگلاس نورث پس از کسب جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۳ ارائه شد. ویراستاران می‌گویند که اقتصاد

1. Brian j. Loasby
3. Agency Theory
5. Timur Kuran
7. Robert H. Bates

2. Gerald P. O'Driscoll
4. Samar K. Dutta
6. Bruce H. Herrick
8. John Toye

اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنماها ۵۹

نهادی جدید کمتر یک مکتب جداگانه تلقی شده است، بلکه در عوض مجموعه خاصی از دغدغه‌های مشترک است که ریشه در نظریه‌ها و عقاید اقتصادی موجود دارد.

مورخان اقتصاد نهادی جدید مانند نورث به ستایش نظریه نئوکلاسیک قیمت به عنوان ابزاری قدرتمند برای پیش‌بینی بسیاری از نتایج اقتصادی در دنیای حقیقی پرداخته‌اند. با این حال نورث معتقد است که فرض نئوکلاسیک عقلانیت کامل فردی، باید ملایم‌تر شود یا حتی با فروض دیگر درباره رفتار بشری جایگزین شود.

رشته‌های مرکزی متعلق به اقتصاد نهادی جدید شامل اقتصاد هزینه معامله و اقتصاد حقوق مالکیت، اقتصاد سیاسی و انتخاب عمومی، تاریخ اقتصاد کمی، شناخت، ایدئولوژی و نقش وابستگی به مسیر^۱ بود. سخنرانان این کنفرانس داگلاس نورث، رابرت فوگل^۲، اونس گریف، گری لیکپ^۳، بری وینگست^۴ و پل دیوید بودند.

کلاگ (۱۹۹۷) به ویرایش مجموعه مقالاتی در زمینه کاربرد اقتصاد نهادی جدید در مباحث توسعه پرداخت. وی اقتصاد نهادی جدید را به عنوان اقتصاد گسترش یافته‌ای توصیف کرد که برخی فروض قوی اقتصاد سنتی در مورد انگیزه تصمیم‌گیرندگان فردی و اطلاعات موجود آنان را سست خواهد کرد و قلمرو اقتصاد را گسترش خواهد داد به گونه‌ای که شامل پدیده‌های سیاسی و تطور نهادها شود.

اقتصاد نهادی جدید، توجه همگان را به نقش حیاتی ظرفیت اجرایی (مدیریتی) دولت در شکل دادن به محیط نهادی کسب و کار جلب کرد. این موضوع می‌تواند کمک کند به توضیح این که چرا بوروکراسی‌ها خوب یا بد عمل می‌کنند و اینکه چگونه بوروکراسی‌های فاسد و ناکارآمد می‌تواند اصلاح شود. در میان سخنرانان کنفرانس این افراد حضور داشتند: منکور اولسن، فیلیپ کی‌فر^۵، الینو استروم^۶ و مارگارت لوی^۷.

جمع‌بندی: به نظر می‌رسد تمام ویراستاران در نمونه ما واقف هستند که اقتصاد نهادی جدید را نمی‌توان با انتخاب از میان رشته‌های خاص، شناسایی یا تعریف کرد بلکه تنها روش شناسایی آن، پیوند فکری روش شناسی پایه آن است. بیشتر افراد گروه، طرفدار رویکرد دست مرئی در اقتصاد نهادی هستند. تنها تعداد کمی (یک نفر از میان شش نفر در نمونه ما) رویکرد دست نامرئی را ترجیح می‌دهد.

طرفداران رویکرد دست مرئی، با این موضوع موافق‌اند که بنای اقتصاد نهادی جدید همان سنگ بنای اقتصاد نئوکلاسیک یعنی فردگرایی روش‌شناختی و انتخاب عقلانی فردی با توجه به

1. Path Dependency
3. Gary Libecap
5. Philip Keefer
7. Margaret Levi

2. Robert Fogel
4. Barry Weingast
6. Elinor Ostrom

مجموعه‌ای از محدودیتها است. با این حال از آنجا که هزینه معامله یا هزینه اطلاعات وجود دارد، اطلاعات محدود شده است، بنابراین نهادها اهمیت دارند.

نهاد گرایان جدید مانند نهاد گرایان قدیم، کار خود را با نقد نظریه اقتصادی موجود، به دلیل سطح بسیار بالای انتزاع آغاز کردند (ویلیامسون، ۱۹۷۵، ص ۱). در حالی که نهاد گرایان قدیم به وضوح فروض انتزاعی اقتصاد کلاسیک یا نئو کلاسیک را رد می کردند، نهاد گرایان جدید، به دلیل وجود هزینه‌های معامله، نااطمینانی نایتی‌ها^۱، عقلانیت محدود و نظایر آن تمایل به پذیرفتن آنها هر چند به شکل سست تر دارند و از این دیدگاه حمایت می کنند که برای این اصلاحات ترتیبات نهادی تا اندازه‌ای گرایش به جایگزینی دارند. در هر حال، تمام ویراستاران در نمونه ما، فاصله خود را از اقتصاد نهاد گرای قدیمی، حفظ کرده‌اند. به روشنی، تفاوت‌های مهم میان اقتصاد نهادی جدید و قدیم وجود دارد، با وجود این، همان‌طور که راترفورد (۲۰۰۱، ص ۱۸۷) به درستی گفته است برخی جنبه‌های نهاد گرای جدید با نهاد گرای قدیم مرتبط می شوند نظیر گرایش به گسترش در ورای مرزهای استاندارد نئو کلاسیکی.

سرانجام به نظر می رسد تمام ویراستاران این شش مجموعه مقالات تحت بررسی موافق‌اند که ترکیب رشته‌های مطرح شده در اقتصاد نهادی جدید، بیشتر به هدف خاص تحقیق وابسته است. از این رو نمونه ما تا حدی یکطرفه است. بیشتر این شش جلد (مجموعه مقالات) مربوط به موضوعهای کلان است: سه جلد آن با موضوعهای مربوط به اقتصاد توسعه، یک جلد با رویکرد اقتصاد نهادی جدید در تاریخ و دیگری با موضوعهای اقتصاد تطوری سر و کار دارند. فقط یک جلد از این مجموعه، مسائل اقتصاد خرد را نیز در بر می گیرد. مطمئناً آن یک ترکیب نماینده از کاربردها نیست، چون بسیاری از مطالعات اقتصاد نهادی جدید درباره موضوعهای اقتصاد خرد نظیر بنگاهها، سازمان صنعتی، ضد تراست، روابط قراردادی، سازمان بازار و مانند آن است. هنوز نمونه ما تا همین حد پیشی ایجاد می کند که چگونه واژه ژنریک اقتصاد نهادی جدید، عنوانی شده است که تحت آن گروه متنوعی از اقتصاددانان قرار می گیرند.

۵-۲. تأسیس انجمن بین‌المللی اقتصاد نهادی جدید^۲

پس از تأسیس «انجمن بین‌المللی اقتصاد نهادی جدید» اولین کنفرانس آن در دانشگاه واشنگتن (سنت لوئیس) در تاریخ ۱۹ تا ۲۱ سپتامبر سال ۱۹۹۷ برگزار شد و اقتصاد نهادی جدید جا افتاد. سازمان دهندگان این کنفرانس در اینترنت به تبلیغ این کنفرانس دست زدند، مبنی بر اینکه روی هزینه‌های معامله، انعقاد قرارداد، قواعد سیاسی بازی، حاکمیت قانون، هنجارها و فرهنگ،

1. Knightian Uncertainty

2. International Society for New Institutional Economics (ISNIE)

۶۱ اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنماها

کار می‌کنند و اینکه افرادی که به این موضوعها علاقه دارند، از روشهای استاندارد علمی استفاده می‌کنند.

در نطق افتتاحیه این کنفرانس، نورث، ویلیامسون و گُاز به ترتیب به شرح اقتصاد نهادی جدید پرداختند. درست همان طوری که پیش‌تر مطرح کردیم، نزدیک‌ترین هدف اقتصاد نهادی جدید، جانشین کردن مدل‌های انتزاعی و ایستای اقتصاد نئو کلاسیک بود اما گُاز هشدار داد که حمله صریح و مستقیم به نئو کلاسیک‌گرایی نه مطلوب است نه مورد نیاز. برای آنکه توسعه نظری مناسبی به دست آید، کافی است روی موضوعهای مبتنی بر واقعیات^۱ متمرکز شویم. گُاز کمی بعد این‌طور اظهار کرد که رسالت انجمن بین‌المللی اقتصاد نهادی جدید، جایگزین کردن تحلیل موجود با چیزی بهتر یعنی اقتصاد نهادی جدید است. تأثیر اقتصاد نهادی جدید در رشته‌های فرعی^۲ علم اقتصاد به کار گرفته خواهد شد که نتیجه‌اش حاکمیت اقتصاد نهادی جدید است و در واقع این وضع در حال اتفاق افتادن است. وی می‌افزاید: اما ما نظریه قیمت (عرضه و تقاضا) را جایگزین نخواهیم کرد بلکه آن را به طور گسترده‌ای بارورتر می‌کنیم.

مجموعه مقالات ارائه شده در دومین کنفرانس سالیانه انجمن بین‌المللی اقتصاد نهادی جدید که در سپتامبر ۱۹۹۸ در پاریس برگزار شد، توسط کلود منارد^۳ (۲۰۰۰) منتشر شد. در میان سخنرانان آن می‌توان به افرادی نظیر رونالد گُاز، داگلاس نورث، الیور ویلیامسون، هارولد دمستز^۴، یورام بارزل^۵، اشاره کرد. علاوه بر آن ماساهییکو آوکی^۶ نیز سخنرانی کرد و از مفهوم نهاد به عنوان تعادل بازی حمایت کرد.

گُاز و نورث دوباره تأکید کردند که نمایندگان اقتصاد نهادی جدید قصد ندارند که جانشینی برای نظریه نئو کلاسیک شوند، بلکه در تلاش‌اند که از ابزارهای تحلیلی برای «مطالعه نحوه کار نظام اقتصادی» استفاده کنند. اما این‌طور به نظر می‌رسد که این مطلب با دیدگاه نهادی/علم شناختی تاریخ^۷، پیشنهادی توسط نورث یا تکنیک مغلطه‌گر^۸ ویلیامسون برای مطرح کردن عقلانیت محدود تضاد داشته باشد، پس چرا نپذیریم که تغییر در پارادایم هم اکنون در حال انجام است؟

۶-۲. خلاصه و اظهار نظر

ویلیامسون (۱۹۷۵، ص ۱) اصطلاح اقتصاد نهادی جدید را به عنوان یک عبارت ژنریک برای گروه متنوعی از مطالعات اقتصادی مدرن موجود در مورد نهادها معرفی کرد. این اصطلاح بعدها به طور

1. Factual Issues

3. Claude Menard

5. Yoram Barzel

7. Cognitive Science/ Institutional Approach to History

8. Casuistic Technique

2. Sub-Disciplines

4. Harold Demsetz

6. Aoki

پراکنده مورد استفاده قرار گرفت اما حدود هشت سال به طول انجامید تا این اصطلاح برای اولین بار توسط برگزارکنندگان کنفرانس مورد استفاده قرار گیرد. پس از حدود ۱۰ یا ۱۵ سال، این اصطلاح معیاری شد برای گرد آمدن اقتصاددانانی که علاقمند به جنبه‌هایی از اقتصاد نهادها بودند. در این مقاله خواهیم دید که اصطلاح اقتصاد نهادی جدید بیشتر به عنوان نامی برای آنچه «رویکرد دست مرئی در اقتصاد نهادی» نامیده شده است، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول (۱) نشان‌دهنده نُه رشته اقتصاد نهادی مدرن است که به عنوان بخشی از اقتصاد نهادی جدید در مطالب یاد شده مطرح شد. این نظریه‌ها توسط محققان مختلفی در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ مطرح شد. رشته‌های اصلی اقتصاد نهادی جدید به این شرح است:

- اقتصاد هزینه معامله (ویلیامسون، کاوز)
- اقتصاد حقوق (یا دارایی) مالکیت (کاوز، آلچیان)
- نظریه اقتصادی قرارداد (به طور رسمی: اسپنس^۱، میرلیس^۲، استیگلitz^۳ و به طور غیررسمی: ویلیامسون، مک‌نیل^۴)
- رویکرد نهادی جدید در تاریخ (نورث)

دلایل مختلفی برای پیروی از نابللی و ناجنت (۱۹۸۹) و به حساب آوردن نظریه اقدام جمعی (السون، ۱۹۶۵) در میان اقتصاد نهادی جدید وجود دارد. در حالی که اقتصاد حقوق مالکیت و بخش رسمی نظریه قرارداد، هنوز عقلانیت کامل را فرض می‌کند، این موضوع درباره اقتصاد هزینه معامله و رویکرد نهادی جدید در تاریخ که توسط نورث مطرح شده است صادق نیست.

ویلیامسون (۱۹۷۵، ص ۴) فرض می‌کند که بشر فقط موجودی است که دارای عقلانیت محدود است. نورث (۱۹۹۵، ص ۱۸) می‌نویسد که نظریه نهادها باید فعالیت خود را با «تغییر فرض عقلانیت ابزاری» آغاز کند، گُاز (۱۹۸۴، ص ۲۳۱) این فرض که «بشر، موجودی عقلانی است که حداکثرکننده مطلوبیت است» غیر ضروری و گمراه‌کننده می‌داند. بنابراین نهاد‌گرایان اصلی از فرض عقلانیت کامل دست کشیدند.

دو شاخه از اقتصاد نهادی جدید پس از گُاز توسعه یافت: اقتصاد هزینه معامله الیور ویلیامسون (۱۹۸۵) و اقتصاد نهادی جدید تاریخ مورد نظر داگلاس نورث (۱۹۸۶). پس از گُاز، ویلیامسون و نورث، دو نماینده اصلی اقتصاد نهادی جدید محسوب شدند. تفاوت میان رویکرد طرفداران ویلیامسون و طرفداران نورث توسط انسمینگر^۵ به این ترتیب توضیح داده شده است: «در حالی که موضع ویلیامسون (۱۹۸۱) این است که نهادها به طور مشخص برای کاهش هزینه‌های معامله طراحی شده‌اند و در بازارهای رقابتی، آنهایی که نتوانند هزینه‌های معامله را کاهش دهند باقی نخواهند ماند،

1. Spence
3. Stiglitz
5. Ensminger

2. Mirrlees
4. Macneil

اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنماها ۶۳

از سوی دیگر، نورث (۱۹۸۱، فصل ۳ و ۱۹۹۰، ص ۵۲) علیه این دیدگاه با تندی دلیل می‌آورد مبنی بر اینکه نهادها فقط برای کاهش هزینه‌های معامله و افزایش کارایی اقتصادی ایجاد شده‌اند. از نظر نورث دلیل وجود نهادهای ناکارا، ناکارایی بازارهای سیاسی است. وی می‌گوید: دموکراسی در سیاست نباید مساوی بازارهای رقابتی در اقتصاد قرار داده شود (نورث، ۱۹۹۰، ص ۵۱). در واقع ما باید آمادگی به کار بردن روشهای مختلف تحلیلی مربوط به مسئله برای اهداف متفاوت تحقیقات اقتصادی را داشته باشیم و علم اقتصاد را با اهدافش نه روشهایش تعریف کنیم، همان‌گونه که در سایر علوم کاربردی انجام شده است.»

مقایسه علم اقتصاد با مهندسی و پزشکی مناسب‌تر از مقایسه اقتصاد با فیزیک یا زیست‌شناسی است (واریان، ۱۹۹۳، ص ۲). رویکرد ویلیامسون در اقتصاد نهادی جدید بیشتر در رشته‌های اقتصاد خرد مانند نظریه بنگاه، سازمان‌دهی صنعتی، ضد تراست و اقتصاد سازمان به کار می‌رود. رویکرد طرفداران نورث برای بررسی مباحث اقتصاد کلان نظیر تاریخ اقتصادهای ملی، تاریخ اقتصاد توسعه یا تاریخ اقتصادهای در حال انتقال (گذار) استفاده شده است.

۳. معنای اقتصاد نهادی جدید

در اینجا بحث را به معنای رویکرد طرفداران ویلیامسون و طرفداران نورث در اقتصاد نهادی جدید محدود می‌کنیم. در این صورت، مباحث به این شرح است: نخست، شرح مختصری از هسته تحلیلی اقتصاد هزینه معامله ویلیامسون و اقتصاد نهادی جدید تاریخ (نورث) ارائه می‌شود. دوم، دو رویکرد را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم و سوم، به طور خلاصه به بحث درباره دیدگاههای برخی منتقدان می‌پردازیم.

۳-۱. هسته تحلیلی اقتصاد هزینه معامله ویلیامسون

الیور ویلیامسون یادآوری می‌کند که قراردادهای غیراستاندارد ممکن است نتیجه اقدامات انحصاری باشد، اما لزوماً چنین نیست زیرا سرمایه‌گذاریهای خاص معامله^۱ نقش به‌سزایی بعد از انعقاد قرارداد خواهد داشت. ویلیامسون این امر را با استفاده از مفهوم انتقال بنیادی^۲ توضیح می‌دهد. پس از بسته شدن قرارداد، طرفین خود را در موقعیت انحصار دو جانبه^۳ می‌یابند، درحالی‌که پیش از بسته شدن قرارداد آنها کاملاً آزاد بودند تا انتخاب کنند که با چه کسی معامله کنند. سرمایه‌گذاریهای خاص معامله از هر نوعی (اگر فقط به شکل زمان سرمایه‌گذاری شده برای انجام تحقیقات، بازرسی و چانه‌زدن باشد) دلایل این انتقال محسوب می‌شوند. افزون بر آن ویلیامسون این واقعیت را مطرح

1. Transaction Specific Investments
2. Fundamental Transformation
3. Bilateral Monopoly

کرد که ما نمی‌دانیم در آینده چه رخ خواهد داد. در شرایط ناطمینانی نایبی‌ها، نوشتن قرارداد کاملی که شامل جزئیات تمامی احتمالات آتی ممکن باشد، عملاً غیرممکن است حتی اگر هزینه‌های معامله صفر باشد.

بنابراین قراردادها، حاوی مفرهای غیرقابل اجتناب هستند و طرفین ممکن است رفتار فرصت‌طلبانه طرف دیگر را وسوسه کند زیرا به دلیل وجود هزینه‌های اطلاعات (نوع خاصی از هزینه‌های معامله) طرفین ممکن است قادر به اثبات دعوی خود به طرف ثالث (به عنوان مثال دادگاه) نباشند. بنابراین برای حمایت مؤثر از طرفین در مقابل فرصت‌طلبی طرف مبادله‌شان دستور دادگاه ممکن است با ترتیبات خصوصی^۱ متمم بخورد یا حتی جایگزین شود. راههای متعددی برای سازمان‌دهی ساختار حکمرانی یک رابطه قراردادی وجود دارد. کارآمدی آنها بستگی به شرایط خاص، نظیر اندازه سرمایه‌گذارهای خاص و فراوانی معاملات میان طرفین دارد. اقتصاد هزینه معامله با مطالعات تجربی فراوانی مورد حمایت قرار گرفته است. اقتصاد هزینه معاملات (یا معامله) ویلیامسون، نظریه قراردادها با شرایط ناطمینانی و اطلاعات نامتقارن است که در آن اجرای قانونی^۲ و خود اجرایی^۳ مکمل یکدیگر هستند.

ترتیبات دادگاه و ترتیبات خصوصی، ویژگی ساختار حکمرانی (یا سازمان) روابط قراردادی غیراستاندارد است. افرادی که به این موضوع توجه دارند، قبل از آنکه به شرایط یک ساختار حکمرانی که آنها مناسب می‌دانند برسند، با یکدیگر به توافق می‌رسند.

بازار و ساختار سلسله‌مراتبی، دو نوع ساختار حکمرانی ممکن و ایده‌آل قابل تصور هستند. نکته مهم این است که انتخاب یک ساختار حکمرانی کارآمد، از بهینه‌سازی تابع هدف، مشروط به مجموعه‌ای از محدودیتها نتیجه نمی‌شود، بلکه می‌تواند به نوعی از عقلانیت محدود یا انتخاب مناسب از میان مجموعه‌ای از ساختارهای حکمرانی به معنای فرضیه سلتن^۴ درک شود. اینکه چه ساختار حکمرانی را طرفین انتخاب می‌کنند، به وضعیت خاص بستگی دارد. بنابراین مسئله آنها عبارت است از توافق درباره تشخیص (موقعیت) «درست» و همچنین بهترین نوع درمان (ساختار حکمرانی).

جدول ویلیامسون (۱۹۸۵، ص ۷۹) در مورد «حکمرانی کارا» می‌تواند به عنوان مثالی از اینکه چگونه فکر کنیم نه به عنوان پاسخ به مسئله تصمیم طرفها درک شود. ایده این است که کمتر شبیه یک فیزیکدان و بیشتر شبیه یک پزشک فکر کنیم.

1. Private Ordering
3. Self-enforcement

2. Legal Enforcement
4. Selten Hypothesis

۲-۳. رویکرد نهادی جدید در تاریخ اقتصادی، هسته تحلیلی نورث

هدف داگلاس نورث، ارائه توضیح اقتصادی درباره ساختار و عملکرد اقتصادها طی زمان است. وی بحث خود را با این مشاهده ساده آغاز کرد که همکاری انسانها با یکدیگر نیازمند وجود قواعد رفتاری است. یعنی محدودیتهای نهادی که در تحلیل نهایی، مجموعه فرصتهای افراد را تعریف می کند.

در دنیای معاملات بدون هزینه و پیش بینی کامل^۱، ماهیت محدودیتهای نهادی (به عنوان مثال، مالکیت کامل یا اجاره زمین) اهمیتی نخواهند داشت و بر عملکرد اقتصادی سیاست تأثیری ندارد. این موضوع به هیچ وجه برای دنیای با هزینه های مثبت معاملات و پیش بینی ناقص، صادق نخواهد بود.

در اینجا ماهیت چارچوب نهادی، نقشی مهمی در عملکرد یک اقتصاد ایفا خواهد کرد. چارچوب نهادی، نااطمینانی تعاملات انسانی را کاهش می دهد و هزینه همکاری را کم می کند. تغییرات مداوم در قیمتهای نسبی حاصل از تغییرات مداوم برونزا (نظیر تغییرات در کل جمعیت، دانش یا ایدئولوژی) عاملان را سوق می دهد تا دریابند که آنها می توانند با ترتیبات نهادی دیگر، وضع بهتری داشته باشند که نتیجه اش، تحول نهادی است. هنوز تحول نهادی، وابسته به مسیر^۲ است و به وسیله بازخورد میان بازارهای سیاسی و اقتصادی شکل گرفته است. به دلیل بالا بودن هزینه های (سیاسی و اقتصادی) معامله، نهادهای ناکارا ممکن است برای دوره های طولانی به حیات خود ادامه دهند.

محدودیتهای نهادی، قواعد رسمی و غیررسمی رفتار را در بر می گیرد. قواعد رسمی شامل قواعد سیاسی (به عنوان مثال، قانون اساسی)، قواعد اقتصادی (مانند حقوق مالکیت، قوانین قراردادی) و موافقت نامه های قراردادی میان عاملان (به عنوان مثال، قرارداد فروش) می شود. قواعد سیاسی به قواعد اقتصادی منتهی می شود، هر چند علیت دو طرفه وجود دارد. اجرای قواعد اهمیت دارد. خود اجرایی ایده آل خواهد بود ولی امیدبخش نیست. به طور کلی اجرای قانونی، مؤثرتر است. با این حال نیروی زور و اجبار^۳ داده شده به دولت می تواند توسط آنان که در قدرت هستند، به نفع خودشان به کار گرفته شود. در یک الگوی ساده، نورث (۱۹۸۱، ص ۲۸) دولت را به عنوان حاکمی تفسیر می کند که سود خود را مشروط به دو قید، ماکزیمم می کند، اول، درجه رقابت سیاسی با رقبا و با سایر دولتها و دوم، هزینه های معامله. به هر دو دلیل، ساختار حقوق مالکیت که محصول اجتماعی را حداکثر می کند، ممکن است رانت انحصاری (درازمدت) حاکم را حداکثر نکند. قضاوت نورث در این مورد نسبتاً بدبینانه است. نورث می گوید که حاکم برای تثبیت قدرتش،

1. Perfect Foresight
2. Path Dependent
3. Coercive Force

بدون توجه به آثار آن بر کارایی، با ساختار حقوق مالکیتی موافقت خواهد کرد که به نفع گروههایی باشد که دسترسی نزدیک به حاکمان جایگزین دارد و به دلیل وجود هزینه‌های تعیین و جمع‌آوری مالیاتها، ساختار حقوق مالکیت با کارایی کمتر، می‌تواند برای حداکثرسازی درآمد حاکم مطلوب‌تر باشد. نورث در اقتصاد نهادی جدید تاریخ به دنبال نظریه عمومی تعامل میان سیاست و اقتصاد است و در واقع، کاربرد نظریه اقتصادی سیاست در تاریخ اقتصادی است. با این حال برخلاف نظریه انتخاب عمومی و نظریه عملکرد جمعی، نورث عقلانیت ناقص فردی را فرض می‌کند و نقش ایدئولوژی را مورد تأکید قرار می‌دهد. وی فرضیه‌های «انتخاب عقلانی» و «بازار کارا» را رد می‌کند. به بیان دقیق‌تر، وی اظهار می‌کند که به خاطر عقلانیت ناقص فردی «مدلهای ذهنی، نهادها و ایدئولوژیها همه در فرآیندی نقش دارند که بشر با آن تفسیر می‌کند و به محیط خود نظم می‌دهد. مدل‌های ذهنی، تاحدی برای هر فرد، منحصر به فرد هستند. ایدئولوژیها و نهادها، ایجاد شده‌اند و نظم محیطی، درک مشترک نزدیک‌تری را فراهم می‌کند.»

۳-۳. مقایسه رویکرد طرفداران ویلیامسون و طرفداران نورث^۱ در اقتصاد نهادی جدید

هر دو با «نهاد» سروکار دارند. ویلیامسون (۱۹۸۵) ترجیح می‌دهد در مورد ساختار حکمرانی^۲ صحبت کند. نورث (۱۹۸۱ و ۱۹۹۰) اصطلاحاتی مانند «قواعد رفتار»، «محدودیت‌های نهادی» یا «ساختار» را به کار می‌برد. علاوه بر آن، نورث (۱۹۹۰) میان «ترتیبات نهادی» و «محیط نهادی» تمایز قائل می‌شود. ترتیبات نهادی را زیرمجموعه محیط نهادی می‌داند. محیط نهادی مجموعه‌ای از قواعد بنیادین سیاسی، اجتماعی و حقوقی است که بر فعالیت اقتصادی و سیاسی حاکم است. نورث همچنین بر نقش ایدئولوژی تأکید می‌کند. بنابراین می‌توانیم (با ساده‌سازی زیاد) بگوییم که:

- اقتصاد هزینه معامله، نهاد‌های حکمرانی با مفروض بودن محیط نهادی را تحلیل می‌کند. موضوع تحقیق آن توافق شده است که در مورد ترتیبات میان دو بازیگر باشد. چنین نهادهایی اساساً با انتقال یا مدیریت کالاهای خصوصی سروکار دارد و ممکن است خودشان آن را کالاهای خصوصی در نظر بگیرند. نهادها نتیجه عمل فردی هستند.

- اقتصاد نهادی جدید تاریخ به تحلیل «محیط نهادی» امل ایدئولوژی می‌پردازد. موضوع تحقیق آن، محدودیت‌های نهادی رسمی و غیررسمی است که رفتار بیش از دو بازیگر را کنترل می‌کند. یک نهاد به این معنا با تهیه یا مدیریت کالاهای عمومی سروکار دارد. در واقع خودش یک کالای عمومی^۳ است و نتیجه اقدامات جمعی تلویحی یا صریح است.

1. Williamsonian and Northian Approach
2. Governance Structure
3. Public Good

الف - اقتصاد هزینه معامله

از تعامل میان تصمیم‌گیری اقتصادی و سیاسی انتزاع می‌شود و هنجارها، آداب و رسوم، سنت و عاداتها را مفروض در نظر می‌گیرد. با این استدلال که « نهادها در این سطح، بسیار آهسته تغییر می‌کند - چند قرن یا چند هزار سال به طول می‌انجامد - (ویلیامسون، ۲۰۰۰) زیرا نهادها با معامله کالاهای خصوصی سروکار دارند. اقتصاد هزینه معامله بر این موضوع متمرکز شده است که قراردادهای غیراستاندارد، لزومی ندارد نتیجه توطئه^۱ انحصاری باشد.

ب - اقتصاد نهادی جدید تاریخ

این شاخه از تعامل میان تصمیمات اقتصادی و سیاسی منتزع نمی‌شود، بلکه « امکان اخذ تصمیمات اقتصادی از طریق فرآیند سیاسی» را در نظر می‌گیرد. موضوع مرکزی آن، توسعه یک «نظریه مفید تحول نهادی» است. در اقتصاد نهادی جدید تاریخ، ایدئولوژیها در نظر گرفته می‌شوند و به عنوان «نظامهای جامع‌شناختی و باورهای اخلاقی» درک می‌شوند که به طور چشمگیری در زندگی اجتماعی نقش دارند.

۳-۴. نظر منتقدان درباره رویکرد طرفداران ویلیامسون و طرفداران نورث چیست؟

در اینجا بحث خود را روی برخی نقدهای معروف از اقتصاد هزینه معامله ویلیامسون و رویکرد نهادی جدید تاریخ اقتصادی (نورث) متمرکز می‌کنیم. کار خود را با اشاره به این موضوع شروع می‌کنیم که فقط «نقد اثباتی» یعنی نقدی که در تلاش برای جایگزین کردن نظریه مورد حمله قرار گرفته با نظریه‌های بهتری است، در هر دو مورد توسط متخصصان اقتصاد ریاضی مطرح می‌شود و سایرین، نقدهای خود را فقط به نقد فروض، محدود می‌کنند.

الف - برخی نقدها از اقتصاد هزینه معامله

نقدهای معروف از سوی محققان اقتصاد ریاضی، جامعه‌شناسی و حقوق مطرح شده است. - متخصصان اقتصاد ریاضی نظیر گروسمن^۲ و هارت^۳ (۱۹۸۶) به نقد بی‌دقتی^۴ اقتصاد هزینه معامله پرداخته‌اند. آنها تلاش کردند که به جای آن روایت صورت‌گرایانه از اقتصاد هزینه معامله را توسعه دهند. اما «نظریه قراردادهای ناقص»^۵ آنها واقعاً به مسئله مرکزی اقتصاد هزینه معامله یعنی فرصت‌طلبی گذشته‌نگر^۶ پرداخته است. گروسمن و هارت فقط به شرح عقلانی این مسئله می‌پردازند که چه کسی باید حق مالکیت (خصوصی) را به دست آورد و چه کسی باید صاحب حق تصمیم‌باقیمانده رابطه قراردادی میان بنگاه خریدار و بنگاه عرضه‌کننده بشود. راه حل نظریه قرارداد

1. Machinations
3. Hart
5. Imperfect Contract

2. Grossman
4. Imprecision
6. Ex - post

ناقص آنها، یک راه حل حقوقی یعنی یک قرارداد کامل است. در الگوی گروسمن و هارت، صاحبان حق تصمیم باقیمانده در اثبات مالکیت خود در مقابل دادگاه با مسئله‌ای مواجه نیستند بنابراین متکی به اجبار قانونی هستند. این الگو، مسئله ویلیامسون راجع به اینکه پس از امضای قرارداد، چه اتفاقی می‌افتد کنار می‌گذارد. بدون در نظر گرفتن این مطلب، رویکرد گروسمن و هارت زمینه جدید و جذابی از نظریه قرارداد را گشود، یعنی نظریه قراردادهای ناقص. نمایندگان اصلی این رویکرد در آلمان جی. نولدک و کلاس اشمیت^۱ (۱۹۹۵) هستند که هر دو از مکتب بن^۲ می‌باشند و باجاری و تادلیس^۳ (۱۹۹۹) که مقاله‌شان به روح اقتصاد هزینه معامله احتمالاً نزدیک‌تر است.

- نقد جامعه‌شناسانه گرانووتر^۴ (۱۹۹۵، ص ۶۳) بر محور فروض تحلیل «بازارها و سلسله مراتب» ویلیامسون استوار است (ویلیامسون، ۱۹۷۵). گرانووتر می‌گوید که جلب توجه ویلیامسون به روابط قدرت^۵ «به منظور رام کردن فرصت طلبی»، کشف مجدد تحلیل طرفداران هابز^۶ و تأکید بیش از حد بر قدرت سلسله مراتبی است. ویلیامسون به ریشه‌دار شدن (محکم شدن) فرد در شبکه‌ای از روابط شخصی توجه نمی‌کند. در حالی که در ایجاد اعتماد، ساختارهای اجتماعی یا شبکه‌ها اهمیت دارند. ساختارهای اجتماعی، مانع رفتارهای مغرضانه می‌شوند. ویلیامسون کارایی قدرت سلسله مراتبی در سازمانها را بیش از حد برآورد می‌کند. با این حال نقد گرانووتر از اقتصاد هزینه معامله، به این نکته می‌افزاید زیرا ویلیامسون هدفش فقط روابط دو قطبی است که مشروط به کنترل اجتماعی نیستند یعنی حالت انتقال بنیادین. ویلیامسون ادعا می‌کند که فرصت طلبی حاکم، به طور گسترده‌ای تحت تأثیر واقعیتها است. مثالهای ارائه شده مربوط به مسائل حکمرانی شرکتی^۷ است که اخیراً در ایالات متحده و آلمان توجه زیادی را به خود جلب کرده است.

- پوزنر^۸ (۱۹۹۳) نماینده مشهور تحلیل اقتصادی حقوق از مکتب شیکاگو، با ارائه مقاله‌ای در مورد اقتصاد نهادی جدید، به رابطه حقوق و اقتصاد می‌پردازد. این مقاله توجه زیادی را به خود جلب کرد. پوزنر تفسیر کاملاً فردی از فروض اقتصاد هزینه معامله پیشنهاد می‌کند و نقد ویلیامسون از دکتترین مکتب شیکاگو را به شدت رد می‌کند و تأکید می‌کند که حقوق و اقتصاد که در شیکاگو روی آن کار می‌کنند، با مسائل ناطمینانی، انحصار دو جانبه و فرصت طلبی، همچنین با این مسئله که چگونه نهادهای اقتصادی و قانونی برای حل این مشکلات تلاش می‌کنند سروکار دارد. تمام آنچه از «فرصت طلبی» ویلیامسون برداشت می‌شود، منفعت به دست آمده در شرایط انحصار موقتی یا از طریق مزایای اطلاعاتی در وضعیت اطلاعات نامتقارن است. این امر نیز کاملاً درست نیست. نکته

1. G. Noldecke and Klaus Schmidt
3. Bajari and Tadelis
5. Authority Relations
7. Corporate Governance

2. Bonn School
4. Granovetter
6. Hobbesian
8. Posner

اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنماها ۶۹

ویلیامسون این است که وضعیت انحصاری دو جانبه وجود ندارد، بلکه تأثیر جانبی و اجتناب‌ناپذیر انعقاد قرارداد مبادله میان دو فرد است که نیازمند سرمایه‌گذاری خاص است.

در نهایت، ویلیامسون نه فقط از فروض اقتصاد خرد نوع شیکاگو (یعنی نئوکلاسیکی) انتقاد می‌کند، بلکه پیشنهاد می‌کند که نظریه مورد حمله قرار گرفته با نظریه دیگری جایگزین شود تا بهتر مجهز شده و بتواند قراردادهای مبادله‌ای غیراستاندارد را توضیح دهد، مانند ادغام عمودی که بر سیاست ضد تراست تأثیر چشمگیری داشته است.

البته اقتصاد هزینه معامله ویلیامسون بر مبنای مدل فرمال بنا نشده است. با این حال اگر کسی دنیای عقلانیت کامل فردی و پیش‌بینی کامل را کنار گذارد - درست همان‌گونه که تمامی نمایندگان اقتصاد نهادی جدید مورد نظر در این مقاله انجام دادند - باید بهای آن را پردازد.

ب- برخی نقدها از رویکرد نهادی جدید در تاریخ اقتصادی

به هر دلیلی، داگلاس نورث در مقایسه با الیور ویلیامسون کمتر مورد نقد افراد معروف قرار گرفت. در اینجا به دو نقد اشاره می‌کنیم:

- آوکی (۲۰۰۱) که یک متخصص اقتصاد ریاضی است، این نقد را مطرح کرد که نظریه تاریخ اقتصادی نورث، مبتنی بر رویکرد دست‌مرئی در نهادها است. وی «دیدگاه قاعده بازی در نهادها» را به کار برد. نورث این‌طور می‌گوید: «نهادها» قواعد بازی در یک جامعه هستند یا به‌گونه‌ای رسمی‌تر، محدودیتهای وضع شده بشری هستند که تعامل انسانها را شکل می‌دهند. در اصطلاح اقتصاددانان، نهادها مجموعه انتخابهای افراد را تعریف کرده و محدود می‌کنند.

وضع قاعده، به طراحی هوشمندانه توسط قانونگذاران، کارآفرینان سیاسی یا اقتصاددانان طراح مکانیزم، حساس است. نظر آوکی این بود که رویکرد دست‌مرئی در نهادها برای توضیح «تنوع ترتیبات نهادی و ماهیت فرآیند تحول نهادی» مناسب‌تر است. به عنوان نظریه‌پرداز بازی، آوکی طرفدار رویکرد تعادل نظری بازی است که ویژگی آن مفهوم تعادل ناش^۱ است. در نتیجه آوکی نهاد را به عنوان «نظامی خود پایا از عقاید مشترک درباره طریقه اصلی که در آن بازی تکرار می‌شود، می‌داند» اما تعادل ناش یک مفهوم ایستاست و به شرح منطق‌نظمهای اجتماعی خود اجرا (تداوم نهادها یا) و نه تغییر آنها می‌پردازد.

از نظر نورث (۱۹۹۰، ص ۵۴) توانایی جوامع برای ایجاد قراردادهای مؤثر و کم‌هزینه در اجرا، مهم‌ترین منبع توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. تحول نهادی از طریق دست‌مرئی «کارآفرینان در سازمانهای سیاسی و اقتصادی» پدید می‌آید که درمی‌یابند آنها می‌توانند با تغییر چارچوب نهادی، وظیفه خود را بهتر انجام دهند.

1. Nash Equilibrium

- شاخه دیگری از انتقادات، مربوط به مناقشه قدیمی اقتصاددانان با دانشمندان علوم اجتماعی در مورد فردگرایی و جامعه‌گرایی (یا کل‌گرایی^۱) است.

شومپتر (۱۹۰۸، ص ۹۰) تلاش می‌کرد با ایجاد تمایز آشکار میان فردگرایی «سیاسی» و فردگرایی «روش‌شناسانه» این بحث را خاتمه دهد. به این ترتیب که فردگرایی روش‌شناسانه به طور محدود و برای توصیف فرآیندهای خاص اقتصادی و نه در نظریه سازمان یا جامعه‌شناسی به کار رود. امروزه از این اصطلاح برای هدف بسیار بزرگتری از آنچه شومپتر در ذهن خود داشت، استفاده می‌شود.

به هر صورت فردگرایی روش‌شناختی یک اصل موضوعه در اقتصاد نهادی جدید شده و در اقتصاد نهادی جدید تاریخ (نورث) بیان می‌شود. این اصل به طور جدی توسط اقتصاددانانی نظیر فاین و میلوناکیس^۲ (۲۰۰۳، ص ۵۶۱) به عنوان مقدس‌ترین اصل تحلیلی نورث نقد شده است. آنها به درستی پرسیدند که چگونه مفهوم فردگرایی روش‌شناختی با فرض ایدئولوژی (یا پدیده اجتماعی) نورث به عنوان عامل توضیحی در نظریه تحول نهادی منطبق می‌شود. نحوه برخورد وی با تحول نهادی و ثبات، به طور برون‌زا تعیین شده است زیرا نورث نظریه ایدئولوژی ارائه نکرده است. این مبحث مربوط به مسئله رگرسیون نامحدود^۳ است که در هر دو رویکرد دست مرئی و نامرئی در نهادها موجود است و موضوعی غیرقابل اجتناب و بحث برانگیز برای هر نظریه‌ای است.

۴. دور نماهای (آینده) اقتصاد نهادی جدید

مطالب فراوانی درباره آینده اقتصاد نهادی جدید وجود دارد که در این مقاله به آن نمی‌پردازیم. در اینجا فقط به معرفی سه دسته فعالیت پژوهشی که در جریان است ولی هنوز به عنوان بخشی از اقتصاد نهادی جدید محسوب نشده، می‌پردازیم. این فعالیتها عبارت‌اند از:

- دیدگاه تعادل بازی در نهادها^۴

- نهادگرایی جدید در جامعه‌شناسی

- نهادگرایی جدید در علوم سیاسی

فعالیتهای تحقیقاتی دیگری را می‌توان نام برد مانند «رشته اقتصادی رفتاری» (نظیر کاهنمان^۵، ۲۰۰۳) و در کنار آن به تلاشهای صورت گرفته در «نظریه‌بازی آزمایشگاهی»^۶ اشاره کرد. با این حال این دو رشته اخیر فقط مورد علاقه اقتصاددانان نهادی است تا زمانی که با تبیین علمی شکل‌گیری نهادها- به معنای مورد نظر نورث از علم شناختی/ یا رویکرد نهادی در تاریخ- سر و کار دارند.

1. Holism

3. Infinite Regression

5. Kahneman

2. Fine and Milonakis

4. The Equilibrium of Game View of Institutions

6. Experimental Game Theory

۴-۱. دیدگاه تعادل بازی نهادها

ما شاهد مطالعات در حال رشدی درباره کاربرد نظریه بازی در موضوعهای نهادی اقتصاد هستیم. این مطالعات به طور رسمی با مطالبی سر و کار دارد که ما آن را «رویکرد دست نامرئی» در تحلیل اقتصادی نامیده‌ایم. لویس (۱۹۶۹) و شاتر (۱۹۸۱) اولین نمایندگان این خط فکری هستند، بعدها این اثر از گریف (۱۹۹۸) و آوکی (۲۰۰۱) منتشر شد. اندیشه کانونی در دیدگاه تعادل بازی در نهادها عبارت است از مفهوم تعادل ناش بازی- وضعیتی که در آن هیچ بازیگری انگیزه منحرف شدن از برنامه عمل کنونی‌اش را ندارد، مادامی که سایر بازیگران چنین کاری انجام ندهند. انتظارات بازیگران درباره رفتار سایرین، نقش مهمی در اینجا ایفا می‌کند. مفهوم تعادل ناش، به دو دلیل جالب است: اول اینکه منطبق یک پدیده اجتماعی خود اجرا را توضیح می‌دهد. به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه کسی اجرا می‌کند و نشان می‌دهد که «توافقات اجتماعی» یک وضعیت هماهنگ نیستند که ارزش جستجو داشته باشند، بلکه تعادل ناش می‌تواند به طور اسف‌باری تعادل بدی^۱ برای تمام شرکت کنندگان باشد. حتی اگر تمام شرکت کنندگان این را دریابند هیچ کس انگیزه‌ای برای منحرف شدن از برنامه عمل کنونی‌اش ندارد، مادامی که سایرین چنین نکنند.

با این حال دیدگاه تعادل بازی در نهادها از اقتصاد نهادی جدید آن‌گونه که در بالا تعریف شد، فاصله می‌گیرد زیرا در نظریه بازی، تمام تعاملات راهبردی ممکن باید از قبل توصیف شود (اطلاعات در این معنا کامل است) و افراد عقلانی عمل می‌کنند. هزینه‌های اطلاعات یا معامله هیچ نقش اساسی ایفا نمی‌کنند. نااطمینانی و عقلانیت محدود در اقتصاد نهادی جدید ناسازگار هستند. بنابراین از دیدگاه نئونهادگرایان به معنای تعریف شده فوق، نهاد به عنوان دیدگاه تعادل بازی می‌تواند در اغلب موارد به عنوان یک راه غیررسمی اندیشیدن و نه به عنوان یک الگوی رسمی به کار گرفته شود. با وجود این، از آنجا که صحبت غیر دقیق می‌تواند به نتایج غلطی منتهی شود، شاید بهتر باشد تا نظریه رسمی بازی را افزون بر تفسیرهای نظری غیررسمی بازی از پدیده‌های اجتماعی به کار ببریم، آن‌گونه که به عنوان مثال به وسیله رویکرد «داستانی تحلیلی»^۲ توصیف شده توسط بیتس و دیگران (۱۹۹۸، ص ۱۰) شرح داده شده است. اونر گریف یک مورخ اقتصادی، در میان نمایندگان اصلی این رویکرد است. وی می‌گوید که نظریه بازی یک چارچوب طبیعی نظری برای بررسی نهادهای خوداجرا ارائه می‌کند و نهاد را به عنوان یک تعادل هماهنگی می‌بیند. تحلیل تاریخی نظریه بازی، نیازمند الگوسازی راهبردی برای شرایط خاص و یک تحلیل تاریخی استقرایی است. (گریف، ۱۹۹۷، ص ۸۵)

همان‌طور که ذکر شد، آوکی (۲۰۰۱) به طریق مشابهی بحث می‌کند. نهادها به عنوان تعادل ناش قابل توضیح خواهند بود به طریقی که بازی تکراری انجام می‌شود. اما از آنجا که هیچ کس

1. Bad Equilibrium
2. Analytical Narrative

نمی‌تواند از مسئله رگرسیون نامحدود^۱ خلاص شود، کسی نمی‌تواند از دنیای بدون نهاد، نهادها را توضیح دهد. با برگشت به بحث وابستگی به مسیر نورث، آاوکی می‌گوید که «به دنبال جهت‌دهی به رگرسیون نامحدود به سوی ساختارهای به ارث رسیده از گذشته باشیم.» (آاوکی، ۲۰۰۱، ص ۱۵)

تعادل ناش که یک مفهوم ایستا است و توضیح نمی‌دهد که چگونه دست نامرئی «کار می‌کند». بر یک مبنای آزمایشی، رویکردهای پویا مانند نظریه بازی تطوری یا نظریه یادگیری (فردی) در بازی‌ها، این کار را انجام داده‌اند. این نظریه‌ها استفاده شده‌اند تا به طور صوری شرح دهند که چگونه یک نظم خودجوش می‌تواند شکل بگیرد و در نتیجه یک زمینه ریاضی برای ملاحظاتی در سنت هیوم، منگر و هایک فراهم کند. در زندگی واقعی، ما به ندرت نهادی با منشأ «دست نامرئی» محض پیدا می‌کنیم. منگر (۱۸۸۳) موافق بود که تفسیر «پراگماتیک» (معمول) از نهادها به همان اندازه دیدگاه «ارگانیک» وی ضروری است. بنابراین به نظر می‌رسد برای متخصصانی مانند مدیران، قانونگذاران^۲، تحلیلگران سیاسی یا بازرگانی عاقلانه باشد از ترکیب مناسبی از هر دو رویکرد - دست مرئی و دست نامرئی - استفاده کنند. مسئله پیش‌بینی آثار یک قانون جدید را در نظر بگیرید که یک نظم «ساخته شده» است. مانند آثار محتمل آن، دو نوع پرسش (ساده‌تر و پیچیده‌تر) ممکن است پرسیده شود. پرسش ساده‌تر مربوط به آثار مستقیم یا «دست مرئی» است و الزامات اجرایی یک قاعده جدید است (مانند اثر مستقیم تحریم بهره وام). پرسش پیچیده‌تر این است که آثار «دست نامرئی» چیست؟ (در مثال ما چه ترتیبات مالی مفیدی^۳ متصور است؟) از آنجا که هیچ قانونی کاملاً سفت و سخت نیست، همواره جایی برای حرکت‌های فرصت‌طلبانه وجود دارد. در این صورت پرسش کلی این است که چه مجموعه‌ای از قواعد غیررسمی ممکن است در خلاءهای چارچوب قانونی، به طور خود به خود رشد کند و فرآیند رشد خود به خود چه مدت ادامه خواهد یافت؟ آیا احتمال دارد که نقاط پایانی پایداری به دست آید که نشان‌دهنده یک ترتیب نهادی باشد؟ آیا نقطه پایان می‌تواند به عنوان یک تعادل خود اجرا دیده شود؟ یا آیا قانون، آن را از بین می‌برد و فرو می‌پاشد؟

اگر هر دو رویکرد، یعنی رویکرد دست مرئی و دست نامرئی، به طور معقولی به کار روند، به نظر می‌رسد عاقلانه باشد تا هر دو رویکرد را در میان روشهای تعریف شده به وسیله اصطلاح «اقتصاد نهادی جدید» به حساب آوریم.

-
1. Infinite Regression
 2. Law Makers
 3. Evasive Financial Arrangements

۲-۴. نهادگرایی جدید در جامعه‌شناسی

با توسعه اقتصاد نهادی جدید، اقتصاددانان عمیقاً در حوزه جامعه‌شناسان نفوذ کردند و جامعه‌شناسان، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، خود را تجهیز کردند. آنها به یک حمله متقابل با عنوان «جامعه‌شناسی اقتصادی جدید»^۱ دست زدند. جامعه‌شناسی اقتصادی جدید در دهه ۱۹۸۰ در دانشگاه هاروارد توسط دانشجویان قبلی هریسون وایت^۲ آغاز شد که در میان آنها رابرت اککلز^۳ (۱۹۸۱)، مارک گرانووتر (۱۹۸۵)، میخائیل شوارتز^۴ و یک دانشجوی گرانووتر، میشل ابولافیا^۵ بودند. مستقل از گروه هاروارد، چندین جامعه‌شناس دیگر به این مبارزه ملحق شدند که در میان آنها سوزان شاپیرو^۶ (۱۹۸۴) و ویویانا زلیزر^۷ (۱۹۸۳) بودند. هدف آنها حمله به اقتصاددانان از طریق شرح دیدگاه جامعه‌شناسانه با تمام قدرت ممکن بود.

طی سالهای بعد مطالعاتی در جامعه‌شناسی اقتصادی منتشر شد که در مقاله مروری بارون و هانان^۸ (۱۹۹۴) شرح داده شده است. همچنین در کتاب راهنمای جامعه‌شناسی اقتصادی ویرایش اسملسر و سوئدبرگ^۹ (۱۹۹۴ و ۲۰۰۵)، سمپوزیوم «جامعه‌شناسی و اقتصاد» در مجله چشم‌اندازهای اقتصادی^{۱۰} (گیبونز، ۲۰۰۵) و کتاب‌شناسی «بخش جامعه‌شناسی اقتصادی» که به تازگی در انجمن جامعه‌شناسی آمریکا ایجاد شده است، جامعه‌شناسان موضوع قدیمی تحقیق‌شان یعنی «نهادها» را دوباره کشف کردند و نشان (مارک) خود از نهادگرایی جدید را توسعه دادند، همچنان که در پاول و دیماجیو^{۱۱} (۱۹۹۱) یا برنتون و نی^{۱۲} (۱۹۹۸) توصیف و بحث شده است. در اینجا پرسش کلی‌تری می‌پرسیم، اقتصاددانان نهادی جدید از جامعه‌شناسی اقتصادی جدید چه می‌توانند یاد بگیرند؟ ما معتقدیم آنها می‌توانند سه موضوع را فرا بگیرند:

نخست، زمینه علمی مفاهیم جامعه‌شناسانه (تا حدی توسط نهادگرایان جدید احیا شده است) که در اقتصاد نهادی جدید نقش مرکزی دارد، شامل خود مفهوم نهادها، مفهوم سازمانها، نظم، توافقات ضمنی، قراردادهای رابطه‌ای، کنوانسیون (پیمان)، ایدئولوژی، سرمایه اجتماعی، اعتماد و ترجیحات فردی.

دوم، کاربردهای ممکن مفاهیم جامعه‌شناسانه‌ای که ممکن است بتواند مفاهیم تحلیلی اقتصاد نهادی را تکمیل کند، شامل ایده شبکه‌های اجتماعی، ریشه‌دار شدن^{۱۳}، مبادله اجتماعی، گروه‌های کسب و کار (شغلی)، فرهنگ، رابطه‌های عاطفی و قدرت.

1. New Economic Sociology
3. Robert Eccles
5. Mitchel Abolafiya
7. Viviana Zelizer
9. Smelser and Swedberg
11. Powell and DiMaggio
13. Embeddedness

2. Harrison White
4. Michael Schwartz
6. Susan Shapiro
8. Baron and Hannan
10. *Journal of Economic Perspectives*
12. Brinton and Nee

سوم، چگونه بیماری شغلی اقتصاددانان در ساده‌سازی شدید تمام موضوعهای تحقیق‌شان را کنترل کنیم و به جای آن نگاه کردن و دیدن دقیق‌تر را مطرح کنیم. یک مثال برای هر یک از نکات می‌تواند کافی باشد.

مثال برای مورد اول: مفهوم قراردادهای رابطه‌ای^۱ را در نظر بگیرید. این مفهوم توسط گلدبرگ^۲ (۱۹۷۶) و ویلیامسون (۱۹۷۶) بر اساس مطالب ماکالی^۳ (۱۹۶۳) که متخصص جامعه‌شناسی حقوق بود و مکینیل^۴ (۱۹۷۴) که محقق حقوق قرارداد بود، به اقتصاد نهادی جدید وارد شد. مفهوم قراردادهای رابطه‌ای حالت خاصی از مفهوم رابطه اجتماعی^۵ ماکس وبر است که به تفصیل در کتاب *اقتصاد و جامعه* (۱۹۶۸) آن را توضیح می‌دهد. ویلیامسون مفهوم قراردادهای رابطه‌ای را برای توافقات درازمدت میان طرفهایی به کار می‌برد که واقعیت پیش‌بینی ناقص^۶ را در نظر می‌گیرند. آنها شرایط قرارداد^۷ را به منظور وفق دادن با موارد محتمل پیش‌بینی نشده^۸ ایجاد کردند. اما به طور اجتناب‌ناپذیری، این گونه قراردادهای ناقص هستند. طرفهای قراردادی به طور صریح یا ضمنی، درباره رویه‌ای (اساسنامه‌ای) توافق می‌کنند که برای حل مسائلی به کار خواهد رفت که می‌تواند مطرح شود. به عبارت دیگر، اجرای قانونی با نظم و ترتیب خصوصی، تکمیل می‌شود یا جایگزین می‌شود.

مثال برای مورد دوم: نگاه سریعی به «شبکه‌های اجتماعی» بیاندازید. شبکه‌های اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از بازیگران، ویژگیها و روابط میان آنان تعریف شده‌اند. روابط شبکه‌ای موضوعهایی را از خارجی تا روابطی مانند «مرکزیت» (اهمیت) بازیگران یا «موقعیت اجتماعی» و «نقش اجتماعی» آنها مطرح می‌کند. مفهوم شبکه اجتماعی، پرتو جدیدی بر نظریه رقابت می‌افکند: رقابت می‌تواند به عنوان رقابت بازیگران برای کسب موقعیت اجتماعی تفسیر شود (بارت، ۱۹۹۲). قرار دادن خریداران و فروشندگان در یک شبکه روابط بازار، موضوعی بااهمیت راهبردی است. یک بازیگر جدید که در شبکه موجود، به عنوان مثال در بازار یا بنگاه موجود، وارد می‌شود با چالش کسب موقعیت برای خودش در میان بازیگران موجود و برقراری ارتباط با آنها روبرو است. پیوندهای میان بازیگران، روابط طی زمان مانند روابط مقامات رسمی و غیررسمی در یک بنگاه، قراردادهای مستمر^۹، جریانهای معاملات در بازارها و روابط اجتماعی است. آنها ممکن است سفت و سخت باشند یا نباشند، این بستگی به مقدار (تعداد) یا کیفیت (شدت) و نوع (نزدیک بودن به فعالیت اصلی طرفها) تعامل میان اعضا دارد. خصوصیت «ساختار اجتماعی»، باعث استحکام این

1. Relational Contracts
3. Macaulay
5. Social Relation
7. Contractual Provisions
9. Standing Contracts

2. Goldberg
4. Macneil
6. Incomplete Foresight
8. Unforeseen Contingencies

اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنماها ۷۵

پیوندها است. یک نقش مهم در بحث میان جامعه‌شناسان اقتصاد نهادی جدید، در مفهوم ریشه‌دار شدن ایفا شده است آن گونه که توسط گرانووتر (۱۹۸۵) به کار رفته است. گرانووتر می‌گوید که «عمل (کنش) اقتصادی در درون شبکه‌های روابط اجتماعی تحقق می‌یابد که ساختار اجتماعی را می‌سازد». آنها ممکن است خود اجرا باشد یا طرف سوم (شخص ثالث) نظیر سلسله مراتب شبکه‌ای آن را اجرا کند مانند گروه‌های شغلی کنترل شده به طور عمودی. ایجاد پیوند با سایر بازیگران نیازمند سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی یا «سرمایه اجتماعی» است. (بارت، ۱۹۹۲، ط، ص ۵۸)

مثال برای مورد سوم: یک مثال برای «نگاه کن و ببین» یا «دست خود را کثیف کن» توسط ملویل دالتون^۱ ارائه شده است که آن را در «مرکز میلو»^۲ به کار برده است، بدون آنکه مدیریت عالی^۳ بداند که وی در حال انجام دادن مطالعه‌ای در مورد «مسائل کارکنان» است. وی نتایج به دست آمده را در «میلو» گزارش می‌کند. تحقیق دالتون مثال ملموسی (عینی) برای این فرض ما ارائه می‌کند که قواعد رسمی، خلاءهای بزرگی برای کارکرد دست نامرئی (یعنی برای رشد خودبه خود قواعد غیر رسمی) به‌جا می‌گذارد. در این مثال، نظم رسمی، همان چارت سازمانی نوشته شده است که با چارت غیررسمی که در آن رشد کرده، تکمیل شده است. مطالعه دالتون نشان داد که چگونه «این ساختار غیررسمی، هرچند از آنچه انتظار می‌رود فاصله دارد، عملاً انجام کار کارخانه را ممکن می‌کند». با این حال، اهمیت دارد ببینیم که بر حسب سود و سود سهام پرداخت شده، بی‌تردید میلو موفق است و احتمالاً به خوبی مدیریت می‌شود.

۳-۴. نهادگرایی جدید در علوم سیاسی

علوم سیاسی - مانند اقتصاد سیاسی - فقط در شرایط «نواقص» الگوی کلاسیکی معنا می‌دهد، یعنی در الگوی با هزینه‌های معاملاتی مثبت و عقلانیت محدود. بنابراین موضوع آن نیز برای سبک تحلیلی اقتصاد نهادی جدید، مناسب است. در واقع، جنبش اقتصاد نهادی جدید، مانند جامعه‌شناسی دست کم به طور ضمنی، در رشته‌های متعدد علوم سیاسی در سالهای اخیر به کار رفته است. زمینه‌های تحت تأثیر قرار گرفته در علوم سیاسی شامل نظریه دولت (لوی، ۱۹۸۸ و ۲۰۰۲)، سازمان دولت (شپسل^۴ و وینگست، ۱۹۸۷)، مدیریت عمومی (وینگست، ۱۹۸۴ و موه^۵، ۱۹۹۰)، سازمان بین‌المللی (کوهان^۶، ۱۹۸۴)، کنگره آمریکا (وینگست و مارشال^۷، ۱۹۸۸)، نظریه سازمانهای بین‌المللی (کوهان، ۱۹۸۴)، پیدایش و تحول ترتیبات نهادی (سیاسی) (نایت و سند^۸، ۱۹۹۵) و فدرالیسم (وینگست، ۱۹۹۵) است. این نهادگرایی جدید، رویکردهای زیادی را در بر می‌گیرد که

1. Melville Dalton
3. Top Manager
5. Moe
7. Marshall

2. Milo Center
4. Shepsle
6. Keohane
8. Knight and Sened

در میان آنها آنچه تلن و استینمو^۱ (۱۹۹۲، ص ۷) یا هال و تیلور^۲ (۱۹۹۶، ص ۹۴۳) آن را «نهادگرایی انتخاب عقلانی»^۳ نامیده‌اند، خط فکری است که به اقتصاد نهادی جدید مورد نظر این مقاله مانند کار ذکر شده از کوهن، وینگست یا موئه نزدیک می‌شود. همچنین شامل برخی کاربردهای خاص نظریه بازی مانند کار لوی (۱۹۸۸)، بیتس (۱۹۹۸) یا مایرسون^۴ (۲۰۰۴) است. نهادگرایی دیگر در علوم سیاسی، «نهادگرایی تاریخی» است. از نظر تلن و استینمو، تفاوت اصلی میان دو دیدگاه در پرسش از شکل‌گیری ترجیح قرار دارد که «آیا برونزا در نظر گرفته شود (یعنی انتخاب عقلانی) یا درونزا (نهادگرایی تاریخی)؟» با این حال نهادگرایی تاریخی نیز توسط جامعه‌شناسانی مانند گرانووتر فرض شده است. به هر میزانی، در جهان اقتصاد نهادی جدید با هزینه‌های معامله، اطلاعات ناقص و عقلانیت محدود، نیروهای متفاوتی می‌تواند بر آگاهی فرد از انتخابها و چگونگی شکل‌گیری ترجیحات فرد اثر گذارد. کارکردهای ترجیح، ضرورتاً ساخته‌های مبهمی هستند.

اقتصاددانان از دانشمندان علم سیاست چه می‌آموزند؟ اقتصاددانان می‌آموزند که نگاه کردن به قواعد زمینه قانونی جامعه، به عنوان داده علم اقتصاد را متوقف کنند. در مقابل، ایجاد مدیریت و اجرای قواعد را در مجموعه اهداف تحقیق خود ادغام کنند. همچنین شروع به دیدن سیاست و اقتصاد به عنوان یک نظام دارای پیوند تنگاتنگ (از نظر ملی و بین‌المللی) کنند و امکان‌پذیری اتخاذ تصمیمات اقتصادی از طریق فرآیند سیاسی را بشناسند.

مثال: دو راه برای مبادله اقتصادی وجود دارد:

اول: مبادله به طریقه خام یا ساده‌انگارانه^۵. بازرگانان طبق قواعد بازاری که مفروض گرفته‌اند با یکدیگر مذاکره می‌کنند.

دوم: مبادله به طریقه «پیچیده». بازرگانان با یکدیگر رو در رو و با دولت در خفا مذاکره می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند تا قواعد بازار، طریقه مبادله آنها را تغییر دهد، مثلاً به هزینه گروههای دیگری که سازمان‌دهی نشده‌اند.

در حالت اول، قواعد بازار، متغیرهای برونزا و در حالت دوم، قواعد بازار، متغیرهای درونزا هستند. ما دو نوع متفاوت از تعادل‌های بازار را در نظر می‌گیریم:

اولاً: تعادل بازار اقتصادی کلاسیکی است. طرفها، با مفروض بودن قواعد بازار، روی قیمتی توافق می‌کنند که در آن تقاضا مساوی عرضه است.

ثانیاً: تعادل بازار مداخله‌گرایان است که در آن دو بازار -بازار سیاسی و بازار اقتصادی- به تعادل رسیده‌اند: در بازار اقتصادی (به عنوان مثال بازار کار) قیمتی روی آن توافق شده است که

1. Thelen and Steinmo

2. Hall and Taylor

3. Rational Choice Institutionalism

4. Mayerson

5. Naive

اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنماها ۷۷

تقاضای محدود شده از نظر قانونی را با عرضه محدود شده از نظر قانونی، برابر می‌کند. به طرفهای ناراضی (به عنوان مثال بیکاران و مصرف‌کنندگان) رشوه داده می‌شود یا تحت فشار قرار می‌گیرند تا آن را بپذیرند. در بازار سیاسی، مداخله‌ای مورد توافق قرار گرفته است که گروههای ذی‌نفع سازمان‌دهی شده و آنان که در قدرت هستند، آن را قابل قبول می‌یابند. حالت دوم می‌تواند منعکس‌کننده وضعیت بازار کار آلمان (غربی)، از اولین بحران نفتی سال ۱۹۷۴ تا به‌طور مثال اتحاد مجدد دو آلمان باشد.

در این زمینه نکته مطرح شده توسط السن (۱۹۸۴) در خور توجه است. وی می‌نویسد: به‌جای این پرسش که «چرا بیکاری وجود دارد؟» باید پرسید: «چه کسی از بیکاری نفع می‌برد؟» در تمام رویدادها، این تفسیر، کمک گرفتن از گروههای ذی‌نفع خاص (اتحادیه‌های کارگری به عنوان نمایندگان صاحبان مشاغل و مؤسسه‌های کارفرمایان به عنوان نمایندگان صاحبان سرمایه و مدیران هستند) در پیگیری منافع خاص‌شان است. از این دیدگاه، بیکاری می‌تواند به عنوان تعادل ناش تفسیر شود. در چنین شرایطی، هیچ‌کدام از بازیگران احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، مؤسسه‌های کارفرمایان و رسانه‌های جمعی، انگیزه منحرف شدن از برنامه عمل خود را ندارند، مادامی که سایر بازیگران چنین کاری نکنند، حتی اگر تمام آنها دریابند که در تعادل بدی هستند. همچنان که وزیر دارایی (خزانه‌داری) نمی‌تواند به‌طور جدی از بازی بیرون باشد زیرا وی بخشی از خود بازی است.

به‌جای کاربرد رویکرد تعادل بازی برای حل مسئله یاد شده، می‌توان از رویکرد هزینه معامله پیشنهادی توسط دیکسیت^۱ (۱۹۹۶) به شکل «چارچوب سیاست هزینه معامله» استفاده کرد که ترکیبی از مفاهیم طرفداران نورث و طرفداران ویلیامسون در اقتصاد نهادی جدید است.

۵. نتیجه‌گیری

مناسب‌تر است از اصطلاح «اقتصاد نهادها»^۲ به‌جای «اقتصاد نهادی»^۳ استفاده کنیم. به هر حال، اصطلاح اقتصاد نهادی جدید انواع متعدد توضیحات اقتصادی نهادها را تعریف می‌کند. طبق یافته‌های ما، اقتصاد نهادی جدید، تحلیل حقوق مالکیت، اقتصاد هزینه معامله، نظریه قرارداد و رویکرد نهادی جدید در تاریخ را در بر می‌گیرد. تمام این نظریه‌ها متعلق به «رویکرد دست‌مرئی در اقتصاد نهادی» است که در اصطلاح‌شناسی هایک «نظمهای ساخته شده» را توصیف می‌کند. پس از رونالد گاز که ابتدا پیامدهای نهادی هزینه‌های معامله را دریافت، آلپور ویلیامسون و داگلاس نورث به عنوان نمایندگان اصلی اقتصاد نهادی جدید هستند. هر دو بر اهمیت هزینه‌های معامله، نااطمینانی،

1. Dixit

2. Economics of Institutions

3. Institutional Economics

عقلانیت ناقص و فردگرایی روش شناختی تأکید می‌کنند. در غیر این صورت رویکرد آنها در مورد روشها و اهداف تحقیق‌شان به طور قابل ملاحظه‌ای تفاوت دارد.

ویلیامسون روی «وظیفه محدود»^۱ متمرکز می‌شود تا نشان دهد که قراردادهای فروش غیراستاندارد لازم نیست نتیجه توطئه‌های انحصاری باشد. ویلیامسون توجه خود را به رفتار طرفها بعد از انعقاد قرارداد معطوف می‌کند، یعنی فرآیند اجرا، کنترل و اجرای قراردادها. تا آن زمان اقتصاددانان رفتار طرفها بعد از انعقاد قرارداد را نادیده گرفته بودند، مسائل واقعی (زیربنایی)، از سرمایه‌گذاریهای خاص قرارداد^۲، نااطمینانی نایتی‌ها و نواقص اجتناب‌ناپذیر قراردادها حاصل می‌شود. برای حداقل کردن فرصت‌طلبی «پس‌نگر»^۳ طرفهای قرارداد، هر دو طرف مکمل یکدیگرند یا حتی تکمیل‌کنندهٔ تحکیم‌کننده‌های قانونی بالقوه به وسیله نظمهای خصوصی هستند.

در حالی که ویلیامسون با مسائل اقتصاد خرد و انتزاعات حاصل از تصمیم‌گیری سیاسی، سر و کار دارد، دغدغه نورث که یک مورخ اقتصادی است، بیشتر موضوعهای اقتصاد کلان است. هدف قانونی نورث عبارت است از ارائه نظریه مفیدی برای تحول نهادی. از این رو نورث به دنبال ارائه یک نظریه عمومی در مورد تعامل میان سیاست و اقتصاد است. در واقع رویکرد وی در اصل کاربرد نظریه جدید اقتصاد سیاسی در تاریخ اقتصادی است. نورث، فرض عقلانیت ناقص را با مفهوم ایدئولوژی و نتایج علم‌شناختی مدرن گسترش داده است.

با این حال، علاقه به توضیح نهادها، محدود به اقتصاد نهادی جدید نیست. نظریه‌پردازان بازی علاقمند به شرح کارکردهای ساز و کار «دست نامرئی» و منطق «خود اجرا» شده‌اند، یعنی در تجدید حیات تحقیق در رویکرد دست نامرئی در اقتصاد نهادها در راستای خط فکری هیوم - منگر - هایک قرار گرفته‌اند. دیدگاه تعادل بازی در نهادها گسترش یافت. با این حال در زندگی واقعی به ندرت می‌توانیم نهادی را بیابیم که دارای منشأ محض «دست نامرئی» باشد. نظمهای «ساخته شده» (قوانین جدید)، نقش مهمی ایفا می‌کنند. آنها به خاطر اجتناب‌ناپذیری اطلاعات ناقص، در آنچه قواعد غیررسمی به طور خود جوش رشد می‌کنند، خلاءهایی به جا می‌گذارند. این موضوع باید مورد ملاحظه قرار گیرد اگر کسی بخواهد آثار نظمهای فرمال^۴ جدید مانند قوانین جدید را پیش‌بینی کند. به نظر می‌رسد برای متخصصانی که در این زمینه کار می‌کنند، یاد گرفتن از برخی تفکرات سبک نظریه بازی، با ارزش باشد.

همراه با علم اقتصاد، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نیز تجدید علاقه به نظریه نهادها را تجربه کردند. برای تحلیلگران حقوقی یا اقتصادی، یاد گرفتن زمینه جامعه‌شناسانه در خصوص مفاهیم روزمره‌ای مانند نهادها یا روابط اجتماعی، سرمایه اجتماعی و ایدئولوژی جالب است. مفاهیم کمتر

1. Limited Task
3. Ex-Post

2. Contract Specific
4. Formal Orders

اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنماها ۷۹

کاربردی توسط اقتصاددانان مانند تحلیل شبکه اجتماعی، مبادله اجتماعی، فرهنگ ملی و یاد گرفتن اینکه چگونه «نگاه کنند و ببینند» نیز جالب است.

دانشمندان علوم سیاسی نشان دادند که سیاست و اقتصاد، نظامی با رابطه تنگاتنگ است. این دیدگاه به رغم کار نمایندگان اقتصاد سیاسی جدید مانند بوکانان، السن یا کار نورث، هنوز به طور وسیعی توسط اقتصاددانان نادیده گرفته شده است. زمانی که اقتصاددانان از اصول دولت لیبرال کلاسیک به نفع برخی انواع دولت رفاه^۱ دور شدند، بی گناهی^۲ (یا سادگی یا سالم بودن) خود را از دست دادند.

تعجب آور است که کاربرد «اقتصاد نهادی جدید» تاکنون محدود باقی مانده است. به عبارت دیگر، در سطح اقتصاد خرد به موضوعهای سازمان‌دهی صنعتی و در سطح اقتصاد کلان به تاریخ اقتصادی و اقتصاد توسعه، محدود مانده است. توانهای اقتصاد نهادی جدید، تمام نشده است. با گسترش تفکر نظریه بازی، روش شناختی اقتصاد نهادی جدید طرفداران نورث و ویلیامسون، عملاً می‌تواند در تمام مسائل زندگی اقتصادی به کار رود. این مسائل می‌تواند در سطح ملی یا در سطح بین‌المللی باشد. من در حال اندیشیدن به وضع کنونی اقتصاد کلان آلمان و تلاشهای نومیدانه اقتصاددانان برای توصیه به سیاستمداران، گروههای ذی‌نفع و رأی‌دهندگان بر مبنای الگوهای اقتصاد کلان پویا یا ایستای قدیمی خوب هستم.

منابع

- Acemoglu, D., S. Johnson and Robinson J. A. (2001), "The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation", *American Economics Review*, No. 91, pp. 1369-1401.
- Ainsworth, S. and I. Sened (1993), "The Role of Lobbyists: Entrepreneurs with Two Audiences", *American Journal of Political Science*, No. 37, pp. 834-866.
- Alchian, A. A. (1959), "Private Property and the Relative Cost of Tenure", in Bradley, Ph.D., Ed., *The Public Stake in Union Power*, Chapter 16, Charlottesville: University of Virginia Press, pp. 350-371.
- Alchian, A. A. (1961), *Some Economics of Property*, RAND D-2316, Santa Monica, CA.
- Alchian, A. A. (1984), "Specificity, Specialization and Coalitions", in: Furubotn and Richter (1984a), pp. 34-49.
- Alchian, A. A. and H. Demsetz (1972), "Production, Information Costs and Economic Organization", *American Economic Review*, No. 72, pp. 777-795.
- Alchian, A. A. and H. Demsetz (1973), "The Property Rights Paradigm", *Journal of Economic History*, No. 33, pp. 16-27.

1. Welfar State
2. Innocence

- Aoki, M. (2001), *Toward a Comparative Institutional Analysis*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Arrow, K. J. (1969), "The Organization of Economic Activity: Issues Pertinent to the Choice of Market Versus Non-Market Allocation" in *The Analysis and Evaluation of Public Expenditures: The PBB-System*, Joint Economic Committee, 91st Congress, 1st Session, Vol. 1, Washington, DC.
- Arrow, K. J. (1974), *The Limits of Organization*, New York.
- Axelrod, R. M. (1984), *The Evolution of Cooperation*, New York: Basic Books.
- Bajari, P. and S. Tadelis (2001), "Incentives Versus Transaction Costs: A Theory of Procurement Contracts", *Rand Journal of Economics*, No. 32, pp. 381-407.
- Baron J. N. and M. T. Hannan (1994), "The Impact of Economics on Contemporary Sociology", *Journal of Economic Literature*, No. 32, pp. 1111-1146.
- Bates, R. H., A. Greif, M. Levi, J. L. Rosenthal and B. R. Weingast (1998), *Analytic Narratives*, Princeton: Princeton University Press.
- Binger, B. R. and E. Hoffman (1989), "Institutional Persistence and Change: The Question of Efficiency", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 145, pp. 67-84.
- Binmore, K. (1994), *Game Theory and Social Contract II. Just Playing*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Binmore, K. (1998), *Game Theory and the Social Contract, Just Playing*, Vol. 2, Cambridge: MIT Press.
- Brinton, N.C. and V. Nee (1998), *The New Institutionalism in Sociology*, New York: Russell Sage Foundation.
- Buchanan, J. M. and G. Tullock (1962), *The Calculus of Consent*, Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Burt, R. S. (1992a), *Structural Holes: The Social Structure of Competition*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Burt, R. S. (1992b), "The Social Structure of Competition", in N. Nohria and R. G. Eccles Eds., *Networks and Organizations: Structure, Form, and Actions*, Boston, MA: Harvard Business School Press, pp. 57-91.
- Chandler, A. D., Jr. (1962), *Strategy and Structure: Chapters in the History of Industrial Enterprise*, Cambridge: MIT Press.
- Chandler, A. D., Jr. (1977), *The Visible Hand: The Managerial Revolution in American Business*, Cambridge: Harvard University Press.
- Clague, Chr. (1997b), "Introduction", in: Clague (1997a), pp. 1-9.
- Clague, Chr. (Ed.) (1997a), *Institutions and Economic Development, Growth and Governance in Less-Developed and Post-Socialist Countries*, Baltimore and London: Johns Hopkins University Press.
- Coase, R. H. (1937), "The Nature of the Firm", *Economica*, No. 4, pp. 386-405.
- Coase, R. H. (1960), "The Problem of Social Cost", *Journal of Law and Economics*, No. 3, pp. 1-44.
- Coase, R. H. (1984), "The New Institutional Economics", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 140, pp. 229-231.
- Coase, R. H. (1999), "The Task of the Society", *ISNIE Newsletter*, Fall, Vol. 2, No. 2, pp. 1-6.
- Coase, R. H. (2000), "The New Institutional Economics", in: Ménard (2000a), 3-6.
- Commons, J. R. (1934), *Institutional Economics*, Madison: University of Wisconsin Press.
- Dalton, M. (1959), *Men Who Manage: Fusions of Feeling and Theory in*

- Administration*, New York: Wiley.
- David, P. A. (1986), "Understanding the Economics of Querty: The Necessity of History", in: W. N. Parker (Ed.), *Economic History and the Modern Economist*, New York, N. Y., 30-49.
- Demsetz, H. (1967), "Toward a Theory of Property Rights", *American Economic Review, Papers and Proceedings*, No. 57, pp. 347-359.
- Denzau, A. T. and D. C. North (1994), "Shared Mental Models: Ideologies and Institutions", *Kyklos*, No. 47, pp. 3-31.
- Dixit, A. K. (1996), *The Making of Economic Policy. A Transaction-Cost Politics Perspective*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Doeringer, P. and M. Piore (1971), *Internal Labor Markets and Manpower Analysis*, Boston: D. C. Heath.
- Drobak, J. N. and J. V. C. Nye (Eds.) (1997a), *The Frontiers of the New Institutional Economics*, San Diego et al: Academic Press.
- Ensminger, J. (1992), *Making a Market*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Fine, B. and D. Milonakis (2003), "From Principle of Pricing to Pricing of Principle: Rationality and Irrationality in the Economic History of Douglass North", *Comparative Studies in Society and History*, No. 45, 120-144.
- Fligstein, N. (1985), "The Spread of the Multidimensional Form among Large Firms, 1919-1979", *American Sociological Review*, No. 50, pp. 377-391.
- Fogel, R. (1997), "Douglass C. North and Economic Theory", in: J. Drobak and J. Nye (Eds), pp. 13-28.
- Fogel, R. W. (1997), "Douglass C. North and Economic Theory", in: D. N. Dvorak and J. V. C. Nye (Eds.), *The Frontiers of New Institutional Economics*, San Diego: Academic Press, pp. 13-28.
- Fudenberg, D. and D. K. Levine (1999), *The Theory of Learning in Games*, Cambridge, MA.
- Furubotn, E. G. and R. Richter (1984b), "Editorial Preface", in: Furubotn and Richter (1984a), pp. 1-6.
- Furubotn, E. G. and R. Richter (1985b), "Editorial Preface", in: Furubotn and Richter (1985a), pp. 1-3.
- Furubotn, E. G. and R. Richter (1997), "Foundation of ISNIE Report", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 150, pp. 589-608.
- Furubotn, E. G. and R. Richter (2005), *Institutions and Economic Theory. The Contribution of the New Institutional Economics*, 2nd Revised and Extended Edition, [1st ed. 1997], Ann Arbor, MI: University of Michigan Press.
- Furubotn, E. G. and R. Richter (Eds.) (1985a), *The New Institutional Economics*, Symposium June 26-29, 1984, Mettlach/Saar, *Zeitschrift Für die Gesamte Staatswissenschaft*, Heft 1, P. 141.
- Furubotn, E. G. and R. Richter (Eds.) (1986), *The New Institutional Economics*, Symposium June 1985, Saarbrücken, *Zeitschrift Für die Gesamte Staatswissenschaft*, Heft 1, P. 142.
- Furubotn, E. G. and S. N. Wiggins (1984), "Plant Closings, Worker Reallocation Costs and Efficiency Gains to Labor Representation on Boards of Directors", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 140, pp. 176-192.
- Gibbons, R. (2003), "Team Theory, Garbage Cans and Real Organizations: Some History and Prospects of Economic Research on Decision-Making in Organizations", *Industrial and Corporate Change*, No. 12, pp. 753-787.
- Gibbons, R. (2005), "What is Economic Sociology and Should any Economists

- Care?", *Journal of Economic Perspectives*, No. 19, Winter, pp.3-7.
- Gigerenzer, G. (2001), "The Adaptive Toolbox", in Gigerenzer and Selten 2001, pp. 37-50.
- Gigerenzer, G. and R. Selten, Eds. (2001), *Bounded Rationality the Adaptive Toolbox*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Goldberg, V. (1976), "Regulation and Administered Contracts", *Bell Journal of Economics*, No. 7, pp. 426-52.
- Granovetter, M. (1985/1995b), "Economic Action and Social Structure: The Problem of Embeddedness", *American Journal of Sociology*, 1985, No. 91, pp. 481-501; Reprinted in and Quoted from Granovetter 1995a, pp. 211-240.
- Granovetter, M. (1995a), *Getting a Job: A Study of Contacts and Careers*, 2nd Ed., Chicago: University of Chicago Press, First Edition 1974.
- Granovetter, M. (2005), "The Impact of Social Structure on Economic Outcomes", *Journal of Economic Perspectives*, No. 19, Winter, pp. 33-50.
- Granovetter, M. and R. Swedberg (Eds.) (1992), *The Sociology of Economic Life*, Boulder et al, Westview Press.
- Greif, A. (1997), "Microtheory and Recent Developments in the Study of Economic Institutions Through Economic History", in D. M. Kreps and K. F. Wallis, Eds., *Advances in the Economics and Econometrics: Theory and Applications*, Proceedings of the Seventh World Congress of the Econometric Society, Vol. III, pp. 79-113, Cambridge, MA.: Cantor, U.P.
- Greif, A. (1998), "Self-enforcing Political Systems and Economic Growth: Late Medieval Genoa", in R. H. Bates, A. Greif, M. Levi, J. L. Rosenthal and B. R. Weingast, *Analytic Narratives*, Princeton: Princeton University Press, pp. 23-63.
- Greif, A. (1998a), "Historical and Comparative Institutional Analysis", *American Economic Review*, No. 88, *Papers and Proceedings*, pp. 80-84.
- Grossman, S. J. and O. D. Hart (1986), "The Costs and Benefits of Ownership: A Theory of Vertical and Lateral Integration", *Journal of Political Economy*, No. 94, pp. 691-719.
- Hall, P. A. and R. C. R. Taylor (1996), "Political Science and the Three New Institutionalisms", *Political Studies*, No. 44, pp. 936-957.
- Hamilton, G. G. and N. W. Biggart (1988/1992), "Market, Culture, and Authority: A Comparative Analysis of Management and Organization in the Far East", *American Journal of Sociology, Supplement*, No. 94, S52-S94, Reprinted, in M. Granovetter and R. Swedberg 1992, pp. 181-221.
- Hardin, R. (1982), *Collective Action*, Baltimore and London: Johns Hopkins University Press.
- Harriss, J., J. Hunter and C. M. Lewis (1995b), "Introduction: Development and Significance of NIE", in: Harriss, Hunter and Lewis (1995a), pp. 1-13.
- Harriss, J., J. Hunter and C. M. Lewis (Eds.) (1995a), *The New Institutional Economics and Third World Development*, London and New York: Routledge.
- Hart, O. D. (1995), *Firms, Contracts, and Financial Structure*, Oxford: Clarendon.
- Hayek, F. A. (1945), "The Use of Knowledge in Society", *American Economic Review*, No. 35, pp. 519-30.
- Hayek, F. A. (1948), *Individualism and Economic Order*, Chicago: University of Chicago Press.
- Hayek, F. A. (1967), *Studies in Philosophy, Politics, and Economics*, Chicago: University of Chicago Press.
- Hayek, F. A. (1973), *Law, Legislation, and Liberty: Rules and Order*, Vol. 1, Chicago: University of Chicago Press.

- Higgs, R. (1987), *Crisis and Leviathan: Critical Episodes in the Growth of American Government*, New York: Oxford University Press.
- Higgs, R. (1989), "Organization, Ideology and the Free Rider Problem: Comment", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 145, pp. 232-237.
- Hinnich, M. and M. Munger (1990), *Ideology and General Theory of Politics*, Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Hodgson, G. M. (1998), "The Approach of Institutional Economics", *Journal of Economic Literature*, No. 36, pp. 166-192.
- Humboldt, W. Von (1792/ 1967), *Ideen zu einem Versuch, die Grenzen der Wirksamkeit des Staates zu bestimmen*, Stuttgart: Philipp Reclam, Jr.
- Hume, D. (1739-40/1969), *A Treatise of Human Nature*, Edited by E. C. Mossner, London: Penguin.
- Immergut, E. M. (1998), "The Theoretical Core of the New Institutionalism", *Politics and Society*, No. 26, pp. 5-34.
- ISNIE (1999), "An Interview With Ronald Coase", *ISNIE Newsletter*, Spring, Vol. 2, No. 1, pp. 3-10.
- Joskow, P. L. (1985), "Vertical Integration and Long-Term Contracts: The Case of Coal-Burning Electricity Generating Plants", *Journal of Law, Economics, and Organization*, No. 1, pp. 33-80.
- Kahneman, D. (2003), "Maps of Bounded Rationality: Psychology and Behavioral Economics", *American Economic Review*, No. 93, pp. 1449-1475.
- Keohane, R. O. (1984), "After Hegemony. Cooperation and Discord in the World Political and the Competitive Contracting Process", *Journal of Law and Economics*, No. 28, pp. 297-326.
- Kirzner, I. M. (1981), "An 'Austrian' Perspective on the Crisis", in: D. Bell and I. Kristol (Eds.), *The Crisis in Economic Theory*, New York: Basic Books.
- Knight, F. (1922), *Risk, Uncertainty, and Profit*, New York: Harper and Row.
- Knight, J. (1992), *Institutions and Social Conflict*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Knight, J. and I. Sened (Eds.) (1995), *Explaining Social Institutions*, Ann Arbor, University of Michigan Press.
- Kornai, J. (1971), *Anti-equilibrium*, Amsterdam: North-Holland.
- Korpi, W. (2001), "Contentious Institutions: An Augmented Rational-Action Analysis of the Origins and Path Dependency of Welfare State Institutions in Western Countries", *Rationality and Society*, No. 13, pp. 235-283.
- Langlois, R. H. (1986), "The New Institutional Economics: An Introductory Essay", Kapitel 1 in R. H. Langlois, Ed., *Economics as a Process, Essays in the New Institutional Economics*, New York.
- Levi, M. (1988), *Of Rule and Revenue*, Berkeley: University of California Press.
- Levi, M. (2002), "The State of the Study of the State", pp. 33-55, I. Katznelson and H. V. Milner (Eds.), *Political Science: The State of the Discipline*, New York: Norton; Washington, D.C.: American Political Science Association.
- Lindenfeld, D. F. (1997), *The Practical Imagination. The German Sciences of State in the Nineteenth Century*, Chicago: Chicago University Press.
- Macaulay, S. (1963), "Non-Contractual Relations in Business: A Preliminary Study", *American Sociological Review*, No. 28, pp. 55-67.
- Macneil, I. R. (1974), "The Many Futures of Contracts", *Southern California Law Review*, No. 47, pp. 691-816.
- Mailath, G. J. (1998), Article "Evolutionary Game Theory", in P. Newman Ed.,

- The New Palgrave Dictionary of Economics and the Law*, Vol. 2, pp. 84-88.
- Mayerson, R. B. (2004), "Political Economics and the Weimar Disaster", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 160, pp. 187-209.
- Ménard, C. (2000b), "Introduction", in: Ménard (2000a), xix - xxiv.
- Ménard, C. (Ed.) (2000a), *Institutions, Contracts and Organizations, Perspectives from New Institutional Economics*, Cheltenham, UK: Edward Elgar.
- Menger, C. (1883/1963), *Problems of Economics and Sociology*, Translated by F. J. Nock from the German edition of 1883, Edited by L. Schneider, Urbana: University of Illinois Press.
- Miller, G. J. (1997), "The Impact of Economics on Contemporary Political Science", *Journal of Economic Literature*, No. 35, pp. 1173-1204.
- Milonakis, D. and B. Fine (2005), "Douglass North's Remaking of Economic History: A Critical Appraisal", Manuscript, Dept. of Economics, University of Crete, Greece.
- Moe, T. M. (1990), "Political Institutions: The Neglected Side of the Story", *Journal of Law, Economics and Organization, Special Issue*, No. 6, pp. 213-253.
- Mueller, D. C. (1979), *Public Choice*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Nabli, M. K. and J. B. Nugent (1989b), "The New Institutional Economics and Economic Development: An Introduction", in: Nabli and Nugent (1989a), pp. 3-33.
- Nabli, M. K. and J. B. Nugent (Eds.) (1989a), *The New Institutional Economics and Development, Theory and Applications to Tunisia*, Amsterdam et al, North Holland.
- Nelson, R. and S. Winter (1973), "Towards an Evolutionary Theory of Economic Capabilities", *American Economic Review, Papers and Proceedings*, No. 63, pp. 440-449.
- Nelson, R. and S. Winter (1982), *An Evolutionary Theory of Economic Change*, Cambridge, MA.
- Nöldecke, G. and K. Schmidt (1995), "Sequential Investments in Options to Own", *Rand Economic Journal of Economics*, No. 29, pp. 633-653.
- North, D. C. (1971), "Institutional Change and Economic Growth", *Journal of Economic History*, No. 31, pp. 118-125.
- North, D. C. (1978), "Structure and Performance: The Task of Economic History", *Journal of Economic Literature*, No. 16, pp. 963-978.
- North, D. C. (1981), *Structure and Change in Economic History*, New York and London: Norton.
- North, D. C. (1984), "Government and the Cost of Exchange", *Journal of Economic History*, No. 44, pp. 255-264.
- North, D. C. (1986), "The New Institutional Economics", in: Furubotn and Richter (1986), pp. 230-237.
- North, D. C. (1990), *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge, MA.
- North, D. C. (1995a), "The New Institutional Economics and Third World Development", in: Harriss, Hunter and Lewis (1995a), 17-26.
- North, D. C. (1995b), "The Adam Smith Address: Economic Theory in a Dynamic Economic World", *Business Economics*, No. 30, pp. 7-12.
- North, D. C. (1997), "Prologue", in: Drobak and Nye (1997a), pp. 3-12.
- North, D. C. (1998), "Economic performance Through Time", in: M.C. Brinton and V. Nee (Eds.), *The New Institutionalism in Sociology*, New York: Russell Sage.

- North, D. C. (2000), "Understanding Institutions", in: Ménard (2000a), pp. 7-10.
- North, D. C. and R. P. Thomas (1973), *The Rise of the Western World: A New Economic History*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Oehler, W. (1984), Comments on Scott, in: Furubotn and Richter (1984a).
- Olson, M. (1965), *The Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups*, Cambridge: Harvard University Press.
- Perrow, C. (1981), "Markets, Hierarchies and Hegemony", In A. H. Van De Ven and W. J. Joyce, Eds., *Perspectives on Organization Design and Behavior*, pp. 371-386. New York: John Wiley.
- Perrow, C. (1986), *Complex Organizations. A Critical Essay*, 3d Ed. New York: McGraw-Hill.
- Posner, R. A. (1993), "The New Institutional Economics Meets Law and Economics", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 149, pp. 73-87.
- Powell, B. W. and P. J. DiMaggio (1991), "Introduction", in Powell and DiMaggio, Eds, pp. 1-38.
- Powell, B. W. and P. J. DiMaggio, Eds. (1991), *The New Institutionalism in Organizational Analysis*, Chicago: University of Chicago Press.
- Powell, W. W. (1990), "Neither Market nor Hierarchy: Network Forms of Organization", *Research in Organizational Behavior*, No. 12, pp. 295-336.
- Richter, R. (1996), "Bridging Old and New Institutional Economics: Gustav Schmoller, the Leader of the Younger German Historical School, Seen with Neoinstitutionalists' Eyes", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 152, pp. 567-592.
- Richter, R. (2001), "New Economic Sociology and New Institutional Economics", Paper Presented at the Annual Meeting of the *International Society for New Institutional Economics, ISNIE*, September, Manuscript: <http://www.uni-saarland.de/fak1/fr12/albert/mitarbeiter/richter/institut/revise4.pdf>
- Richter, R. (2002), "On the Social Structure of Markets: Market Sociology from the Viewpoint of New Institutional Economics", Paper presented at the 2002 Conference of the *International Society for New Institutional Economics, ISNIE*, at Cambridge, MA.
- Richter, R. (2004), "The Attack of New Economic Sociologists on Oliver Williamson's Transaction Cost Economics" in: J. G. March and D. J. Teece (Eds.), *Festschrift for Oliver Williamson* (Publication in Preparation).
- Roland, G. (2004), "Fast-Moving and Slow-Moving Institutions", *Journal of Institutional Comparison*, CESifo Dice Report, Vol. 2, No. 2, pp. 16-21.
- Rutherford, M. (1994), *The Old and the New Institutionalism*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Rutherford, M. (2001), "Institutional Economics: Then and Now", *Journal of Economic Perspectives* 15 (Summer), pp. 173-94.
- Samuelson, P. A. (1968), "What Classical and Neoclassical Monetary Theory Really Was", *Canadian Journal of Economics*, No. 1, 1-15.
- Schelling, T. C. (1960), *The Strategy of Conflict*, Cambridge, MA.
- Schneider, F., W. W. Pommerehne and B. S. Frey (1981), "Politico-Economic Interdependence in a Direct Democracy: The Case of Switzerland", in: D. A. Hibbs (Ed.), *Contemporary Political Economy: Studies on the Interdependence of Politics and Economics*, Amsterdam: North Holland.
- Schotter, A. (1981), *The Economic Theory of Social Institutions*, Cambridge, MA.
- Schumpeter, J. (1908), *Das Wesen und der Hauptinhalt der Theoretischen*

- Nationalökonomie*, Berlin: Duncker und Humblot.
- Schweizer, U. (1999), *Vertragstheorie*, Tübingen: J. C. B. Mohr (Paul Siebeck).
- Scott, K. (1984), "Corporate Governance and the New Institutional Economics", in: Furubotn and Richter (1984a), pp. 136-152.
- Scott, K. (1994), "Bounded Rationality and Social Norms: Concluding Comment", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 150, pp. 315-319.
- Scott, R. E. (1990), "A Relational Theory of Default Rules for Commercial Contracts", *Journal of Legal Studies*, No. 29, pp. 597-616.
- Selten, R. (1965), "Spieltheoretische Behandlung eines Oligopolmodells mit Nachfrageträgheit", *Zeitschrift für die gesamte Staatswissenschaft*, No. 121, pp. 301-324.
- Selten, R. (2001), "What Is Bounded Rationality?", in Gigerenzer and Selten, pp. 13-36.
- Shelanski, H. A. and P.G. Klein (1995), "Empirical Research in Transaction Cost Economics: A Review and Assessment", *Journal of Law, Economics and Organization*, No. 11, pp. 335-361.
- Shepsle, K. A. and B. R. Weingast (1987), "The Institutional Foundations of Committee Power", *American Political Science Review*, No. 81, pp. 85-104.
- Simon, H. (1957), *Models of Man – Social and Rational*, New York: Wiley.
- Simon, H. (1965), "A Behavioral Model of Rational Choice", *Quarterly Journal of Economics*, No. 69, pp. 99-118.
- Simon, H. A. (1987), "Bounded Rationality", in: J. Eatwell, M. Milgate, and P. Newman, Eds., *The New Palgrave: A Dictionary of Economics*, London: Macmillan, Vol. 1, pp. 266-68.
- Smelser, N. J. and R. Swedberg (Eds) (1994a), *The Handbook of Economic Sociology*, Princeton, N. J. Princeton University Press.
- Smelser, N. J. and R. Swedberg (Eds.) (1994b), "The Sociological Perspective on the Economy", in N. J.: Smelser and R. Swedberg (1994a), pp. 3-26.
- Smelser, N. J. and R. Swedberg (Eds.) (2005), *The Handbook of Economic Sociology*, 2nd Edition, Princeton, N. J.: Princeton University Press.
- Thelen, K. and S. Steinmo (1992), "Historical Institutionalism in Comparative Politics", in: S. Steinmo, K. Thelen and F. Longstreth (Eds.), *Structuring Politics, Historical Institutionalism in Comparative Analysis*, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 1-32.
- Thorelli, H. B. (1986), "Networks: Between Markets and Hierarchies", *Strategic Management Journal*, No. 7, pp. 37-51.
- Tietz, R. (1990), "On Bounded Rationality: Experimental Work at the University of Frankfurt/Main", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 146, pp. 659-672.
- Varian, H. R. (1993), "What Use is Economic Theory?", Working Paper, No. 93-4, Department of Economics, University of Michigan, Ann Arbor.
- Ward, B. N. (1971), "Organization and Comparative Economics: Some Approaches", in: A. Eckstein (Ed.), *Comparison of Economic Systems*, Berkeley: University of California Press, pp. 103-121.
- Wasserman, S. and K. Faust (1994), *Social Network Analysis. Methods and Applications*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Weber, M. (1968), *Economy and Society. An Outline of Interpretative Sociology*, Ed. by G. Roth and C. Wittich, Berkeley: University of California Press.
- Weingast, B. R. (1984), "Congressional-Bureaucratic System: A Principal Agent Perspective, with Applications to SEC", *Public Choice*, No. 44, pp. 147-191.

- Weingast, B. R. (1995), "The Economic Role of Political Institutions: Market Preserving Federalism and Economic Development", *Journal of Law, Economics and Organization*, No. 11, pp. 1-31.
- Weingast, B. R. and W. Marshall (1988), "The Industrial Organisation of Congress", *Journal of Political Economy*, No. 96, pp. 132-163.
- Williamson, O. E. (1971), "The Vertical Integration of Production: Market Failure Considerations", *American Economic Review, Papers and Proceedings*, No. 61, pp. 112-123.
- Williamson, O. E. (1973), "Markets and Hierarchies: Some Elementary Considerations", *American Economic Review, Papers and Proceedings*, No. 63, pp. 316-325.
- Williamson, O. E. (1975), *Markets and Hierarchies, Analysis and Antitrust Implications*, New York.
- Williamson, O. E. (1979), "Transaction-Cost Economics: The Governance of Contractual Relations", *Journal of Law and Economics*, No. 22, pp. 233-261.
- Williamson, O. E. (1985a), "Reflections on the New Institutional Economics", in: Furubotn and Richter (1985a), pp. 187-195.
- Williamson, O. E. (1985b), *The Economic Institutions of Capitalism*, New York.
- Williamson, O. E. (1988), "Corporate Finance and Corporate Governance", *Journal of Finance*, No. 43, pp. 567-591.
- Williamson, O. E. (1993), "Calculativeness, Trust and Economic Organization", *Journal of Law and Economics*, No. 36, PT. 2, pp. 453-486.
- Williamson, O. E. (1993a), "The Evolving Science of Organization", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 149, pp. 36-63.
- Williamson, O. E. (1993b), "Contested Exchange Versus the Governance of Contractual Relations", *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 7, No. 1, pp. 103-108.
- Williamson, O. E. (1993c), "Transaction Cost Economics Meets Posnerian Law and Economics", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, No. 149, pp. 99-118.
- Williamson, O. E. (1993d), "Transaction Cost Economics and the Evolving Science of Organization", Manuscript, Mai.
- Williamson, O. E. (1993e), "Transaction Cost Economics and Organization Theory", *Industrial and Corporate Change*, No. 2, pp. 107-156.
- Williamson, O. E. (2000), "The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead", *Journal of Economic Literature*, No. 38, pp. 595-613.
- Young, H. P. (1998), *Individual Strategy and Social Structure. An Evolutionary Theory of Institutions*, Princeton, N. J.: Princeton University Press.
- Zouboulakis, M. (2005), "On the Evolutionary Character of North's Idea of Institutional Change", *Journal of Institutional Economics*, Forthcoming.

